

جانانش

فصلنامه دانشجویی پوهنتون جامی

صاحب امتیاز: معاونیت علمی پوهنتون جامی

مدیر مسئول: محمد علم عالمی

سر دبیر: عابده سادات

طراح گرافیک: تقی وحید

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

احمد مرید یارزاده، ادریس سروری، اسماء احمدی،

سُمیّه عرفانی، لطیفه صدیقی، مرضیه یلانی، مسعود

زمانی، نصیر احمد امیری

فهرست مطالب

سخن سردبیر

۲

آشنایی اجمالی با پوهنتون جامی

۳

بررسی موانع سیاسی توسعه در افغانستان

۱۲

نقش اجتهاد در گستره تشریح قوانین اسلامی

۱۹

قتل عمد و مجازات آن از دیدگاه فقه و قانون

۲۵

اثرات مثبت و منفی رسانه تلویزیون بر خانواده‌ها

۳۲

آشنایی با مفاخر افغانستان (۱)

۴۱

مولانا عبدالرحمن جامی

گزارشی از خشونت‌های خانوادگی در هرات

۴۷

سخن سردیپر

به نام آفریدگار لوح و قلم و آفریدگار علم و ادب که لوح را با قلم مزین کرد و علم را با ادب. درود بی کران بر معلمان دانش و ادبشان که بر لوح هستی صادق، قلم خورده‌اند، به ویژه بر معلم بازپسین بشریت، حضرت محمد مصطفی (ص) و درود بر همه وارثان او و رهپویان علم و ادب و شما دانشجویان گرامی و فرهیخته! همان طوری که می‌دانید دانشگاه جامی این جایگاه مطمئن، همواره در اندیشه ترقی و پیشرفت محصلان و مهیا کردن فرصت‌ها جهت ارتقای توانای علمی دانش‌آموختگان خود بوده و در این راستا از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است؛ اکنون نیز با ایجاد مجله دانشجویی که خود نشان بالندگی و رشد علمی دانشجویان و ظرفیت‌سازی از سوی دانشگاه است، گامی بس بزرگ به سوی موفقیت دانشجویان نهاده است؛ زیرا نوشتار در هر رشته و در هر موضوعی که باشد باعث رشد زبان نوشتاری افراد می‌شود و قدرت نوشتاری از امتیازات بالای هر فرد به حساب می‌آید و روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد. در حقیقت، مقاله یک واحد علمی نوشتاری است که اندیشه‌ها، یافته‌ها و نظریات جدید یک دانش‌پژوه را بازتاب می‌دهد.

سپاس فراوان از معاونت علمی دانشگاه جامی و بخش تحقیقات علمی دانشگاه که زمینه تهیه، چاپ و نشر مجله را فراهم کردند و همچنین سپاس‌گذاریم از دانشجویانی که مقالات خویش را برای مجله جام دانش فرستاده و در تهیه مقالات، مجله را یاری بخشیدند.

در پایان قابل ذکر است که هر مقاله بیانگر دیدگاه و اندیشه نویسنده آن است و اداره دانشگاه در قبال آن مسئولیتی ندارد.

عابده سادات

آشنایی اجمالی با پوهنتون جامی

تهیه و تنظیم: مرکز تحقیقات پوهنتون جامی



هرات سرزمین باستان، شهر فرهنگ و هنر، چشمه‌سار علم و ادب، چتر پهناور عرفان و سلوک، مهد پرمهر مردان دین و دانش، خاک پاک اولیاءالله و پرورشگاه نام‌آوران تاریخ است. این شهر اندیشمندان بزرگی را در چارسوی جغرافیای پُرگهر و در مرکز فیض گستر خویشتن پرورنده است. خواجه انصار، پیر هرات، در دل کوهپایه‌های سنگی شمال، ملاعلی قاری در سبزه‌زارهای جنوب، امام فخرالدین رازی، فخر عالم اسلام در غرب، شیخ الاسلام شهید در شرق، خواجه علی‌ابن موفق و محمد تاکی در مرکز و مولانا عبدالرحمن جامی، خاتم الشعراء زبان فارسی دری در شمال غربی از زمره فرزندان صالح و از مفاخر بزرگ افغانستان و هرات کهن هستند.

مولانا جامی بزرگ، فرزند نیکنام هری در روزگاری می‌زیست که علم‌پروری از رونق و بالندگی برخوردار بود و خود نیز در خلق آثار شعری، خطی و بنائی سهم فراوان در این بالندگی داشت. او زندگی و آینده با سعادت انسان‌ها را در پرتو تعلیم و تربیت و دانش‌اندوزی و درخشش همیشه چراغ علم و معرفت می‌دانست؛ به همین منظور «پوهنتون جامی»، این بلندآوازه‌ترین مرکز علم و پژوهش شهر هرات با نام نامی «جامی» مسمی و تأسیس گردید.





الف) تأسیس پوهنتون جامی

داشتن فضای مناسب آموزشی در بهترین موقعیت شهر، و با برخورداری از یک استراتژی منظم پلان شده، و با دارا بودن شش پوهنحی: طب معالجوی، انجینیری عمران، اقتصاد و مدیریت، حقوق و علوم سیاسی، شرعیات و علوم اسلامی، و زراعت و اگراونومی، توانست در مدت کوتاهی اعتماد جوانان را جلب و جایگاه مطمئتی برای رهپویان دانش و طلایه‌داران رونق و پیشرفت گردد و بهترین کادرهای ورزیده علمی موفق، متخصص و متعهد را تقدیم جامعه نماید.

دانشگاه جامی، کیفیت برترآموزش و ارائه خدمات ارزنده علمی را در محراق توجه خویش قرارداد و با تبعیت از معیارهای علمی، پلان استراتژیک، پالیسی‌های وزارت تحصیلات عالی و جذب استادان با درجات بالای علمی در مقطع ماستری و دکترا پاسخ‌گوی نیازهای علمی دانشجویان و معرفت‌پژوهان کشور است.

پوهنتون جامی در بهار سال ۱۳۹۰ ش. از دل آرمان‌های نسل جوان این خطه علم‌پرور و تمدن‌ساز برخاست و برای ایفای رسالت دانش‌گستری و انسان‌سازی در عرصه تحصیلات عالی خصوصی جوانه زد، تا در بهارینه فصل اندیشه و معرفت اکادمیکی، پرچمدار و آئینه‌بردار علم و پیشرفت باشد و از پس سال‌های خمود و رکود در مسیر تاریخ مُشعشع تمدنی این حوزه، مشعلی برافروزد. جامی پیوند امروز است با گذشته پُرافتخار این سرزمین، جامی تکانه‌ای است بر کالبد بی‌رمق کاروانی که روزگاری با پرچمداری نامداران بزرگ فلسفه، دانش و خرد، مانند جامی‌ها، رازی‌ها، انصاری‌ها انوار علم و معرفت را تا دور دست‌ترین افق‌های جهان تقدیم بشریت می‌کرد.

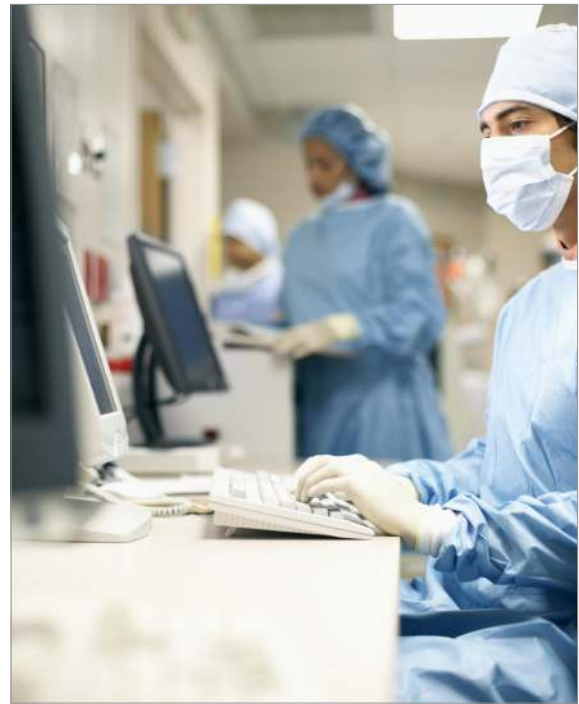
این پوهنتون جوان به همت تیم رهبری مجرب، و با بهره‌گیری از مُدرن‌ترین امکانات و تجهیزات آموزشی و با

ب) بخش‌های اصلی و دانشکده‌های دانشگاه جامی

۱. دانشکده طب معالجی

در پاسخ به نیازهای جامعه در سال ۱۳۹۳ ش. دانشکده طب معالجی در پوهنتون جامی ایجاد گردید و بر اساس استانداردهای علمی و مجهز به تکنالوژی روز، فعالیت‌های آموزشی خود را شروع کرد و با گذشت اندک زمانی توانست، تعداد قابل توجهی از علاقه‌مندان و رهروان سپیدجامه مسلک طبابت را با خود همراه نماید. تجهیزات و ابزارهای کاری

این دانشکده سهولت‌های فراوانی را برای دانشجویان رشته طب این دانشگاه فراهم آورده است. هم اکنون



پوهنتون جامی در بهار سال ۱۳۹۰ ش. از دل آرمان‌های نسل جوان این خطه علم‌پرور و تمدن‌ساز برخاست و برای ایفای رسالت دانش‌گستری و انسان‌سازی در عرصه تحصیلات عالی خصوصی جوانه زد، تا در بهارینه فصل اندیشه و معرفت اکادمیکی، پرچمدار و آئینه‌بردار علم و پیشرفت باشد

دارای لابراتوارهای مجهز می‌باشد و راه اندازی شفاخانه

کادری برای فعالیت‌های عملی دانشجویان را نیز روی دست دارد. هیئت رهبری این دانشکده متعهدند تا با تربیه کادر آگاه، بدون هیچ‌گونه تبعیضی زمینه خدمت‌رسانی به تمامی اقشار جامعه را مساعد سازند؛ احتیاجات طبی جامعه را تأمین نمایند؛ رشد و انکشاف علم طب را ارتقاء بخشند؛ و کاستی‌های این بخش بسیار مهم علمی را در حد وسیع

برطرف کنند.

اهداف آموزشی دانشکده طب پوهنتون جامی آن است که دانشجویان پس از فراغت بتوانند در مطب‌های شخصی، کلینیک‌ها و شفاخانه‌ها به تشخیص و درمان مریضان بپردازند؛ مراکز صحتی و درمانی را با درایت و کفایت مدیریت و سرپرستی نمایند؛ و به عنوان کادر علمی دانشگاه‌ها نیز فعالیت آموزشی داشته‌باشند.





۲. دانشکده حقوق و علوم سیاسی

رشته حقوق و علوم سیاسی یکی از محبوب‌ترین رشته‌های علوم انسانی برای جوانان و از مهم‌ترین نیازهای جامعه امروز و فردای کشور است. دامنه گرایش‌های رشته حقوق بسیار گسترده و در تمام روابط زندگی بشر مورد نیاز است. هم‌چنین با توجه به ظهور و بروز دیدگاه‌های گوناگون سیاسی در زندگی اجتماعی افراد و سطح کشور و با نگرش به اوضاع پیچیده سیاست‌های جهانی و نیاز مبرم به این دو رشته، دانشگاه جامی را بر آن داشت که تا با تأسیس کلینیک حقوقی و راه‌اندازی محکمه‌های تمثیلی و با طرح مباحث روز و عملی و کاربردی و تربیت نیروهای ورزیده، این بخش از نیازهای کشور را مرتفع سازد. اکنون پوهنتون جامی در راستای این سیاست آموزشی خود، توانسته است، صدها جوان ورزیده و با کفایت را از بخش‌های اداری - دیپلوماسی و قضایی - سارنوالی این مرکز علمی فارغ التحصیل و به جامعه تقدیم نماید.

دانشکده حقوق و علوم سیاسی در فعالیتهای آموزشی خود مشخصاً اهداف ذیل را تعقیب و پیگیری می‌کند: تربیت نیروهای ورزیده برای ایفای وظیفه به عنوان کادر علمی در مراکز تحصیلات عالی کشور؛ تأمین نیروی انسانی لایق برای وزارتخانه‌ها، مؤسسات و سازمان‌های خصوصی و دولتی به خصوص وزارت امور خارجه و وزارت امور داخله و دستگاه‌های قضایی و اجرایی کشور؛ تربیت افرادی با قابلیت درک و استنباط احکام از منابع حقوقی و توانایی لازم برای ایفای وظایف در زمینه‌های وکالت، دادخواهی، قضاوت و مشاوره‌های حقوقی؛ تربیت افراد کارآمد با توانایی علمی برای درک و تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی - اجتماعی افغانستان، منطقه، جهان و روابط بین‌الملل؛ زمینه‌سازی برای ورود دانشجویان به دوره ماستری با گرایش‌های مختلف سیاسی و حقوقی، مانند حقوق

جزا و جرم‌شناسی، حقوق خصوصی، حقوق عمومی، حقوق بین‌الملل و ...؛

۳. دانشکده اقتصاد و مدیریت

مدیریت پوهنتون جامی بر این باور است که دستیابی به توسعه اقتصادی و تأمین رفاه اجتماعی تنها با کسب دانش روز و مدیریت علمی منابع اقتصادی کشور ممکن است. ترکیب درست منابع و کسب حداکثر منافع، صرفاً با مجهز شدن به علم جدید اقتصادی و مدیریتی میسر خواهد شد.

پیشرفت اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، مَرهون تلاش‌های مدیران متخصص آن‌هاست. سپردن سُگان مدیریت اقتصاد بخش خصوصی و دولتی به دستان توانمند جوانان تحصیل کرده در عرصه اقتصاد و مدیریت، فردای درخشان و مرفه‌ای را برای این سرزمین به ارمغان خواهد آورد. دانشکده اقتصاد پوهنتون جامی با این پیش‌فرضی که گفته شد، فعالیت‌های علمی

و اکادمیک خود را آغاز نموده و با همّت استادان صاحب‌نظر در صدد تبیین جدیدترین تئوری‌های اقتصادی است و در اهداف تعلیمی خود این هدف مهم را تعقیب می‌کند که بتواند راه‌های عملی را برای مقابله با فقر، بیکاری و حل مشکلات اقتصادی کشور پیدا نماید و نیازهای مُبرم وزارتخانه‌ها، نهادها، مؤسسات، بانک‌ها و بُنگاه‌های اقتصادی دولتی و خصوصی به نیروهای متخصص و فنی را آموزش دهد و قدم‌های مؤثری برای انکشاف و رُشد دانش اقتصادی کشور بردارد و مسئولیت

ملی و علمی خود را به وجه احسن ایفا نماید. همچنین از دیگر اهداف مهم آموزشی پوهنتون جامی در بخش دانشکده اقتصاد، تربیت کادر علمی برای تدریس علم اقتصاد در مراکز دانشگاهی، آموزش و توانمندسازی افراد برای پلان‌گذاری کلان اقتصادی و مدیریتی کشور می‌باشد. در راستای این سیاست، پوهنتون جامی بر خود می‌بالد که همه ساله، تعدادی قابل توجهی از جوانان از این دانشکده، با موفقیت فارغ و جذب بازار کار در بخش‌های دولتی و خصوصی شده‌اند.

۴. دانشکده انجینیری

عمران، آبادانی و مدرنیزه‌سازی از شاخصه‌های اصلی و برجسته کشورهای پیشرفته و متمدن امروز است. از آنجائی که میهن عزیز ما چند دهه بحران، جنگ و تخریب شهرها و زیر بناها را پشت‌سر گذاشته، بیش از هر وقت دیگر نیاز شدید به عمران، آبادانی و پیشرفت دارد. حال که الحمد لله، کشور، کم‌کم در راستای

شکوفایی و تعالی گام می‌گذارد بیش از هر چیز دیگر، نیاز به نیروهای مسلکی، فنی و متخصص دارد، تا با طراحی و ساخت سدهای آب‌گردان به منظور کنترل و مدیریت منابع آبی کشور، ساخت برج‌های بلند تجارتي، طراحی و اجرای ساخت شهرها، پُل‌ها و بزرگ‌راه‌ها در پیشرفت و مدرن‌سازی وطن، گام‌های قوی و محکمی بردارند. مسئله عمران و آبادانی نه تنها از نیازهای اساسی هر کشور در بخش عمران است؛ بلکه بسیاری از بخش‌های دیگر، مانند صنعت، زراعت و معدن نیز وابسته

اهداف آموزشی دانشکده طب پوهنتون جامی آن است که دانشجویان پس از فراغت بتوانند در مطب‌های شخصی، کلینیک‌ها و شفاخانه‌ها به تشخیص و درمان مریضان بپردازند؛ مراکز صحتی و درمانی را با درایت و کفایت مدیریت و سرپرستی نمایند؛ و به عنوان کادر علمی دانشگاه‌ها نیز فعالیت آموزشی داشته‌باشند.

نابسامانی‌ها و خودسری‌های فردی را کاهش می‌دهد. در جغرافیایی که ما در آن بودوباش داریم، معیار رفتار و کردار نیک و منبع قانون‌گذاری شریعت اسلامی است. کسب تعلیمات اسلامی، پخش و نشر آموزه‌های دینی بیش از هر اقدام دیگر درخور توجه مدیران ارشد علوم و معارف اسلامی است. در مقاطع بالاتر یعنی عرصه تحصیلات تکمیلی، دانشگاه جامی یکی از نهادهایی است که با تأسیس دانشکده شرعیات، زمینه کسب علوم اسلامی به شیوه تخصصی را فراهم نموده و تا کنون صدها تن از جوانان متدین را فراغت داده و فارغان را از رشته‌های تعلیمات اسلامی، فقه و قانون در مسندهای قضا و ارشاد معرفی کرده است.

۶. دانشکده زراعت و اگراونومی

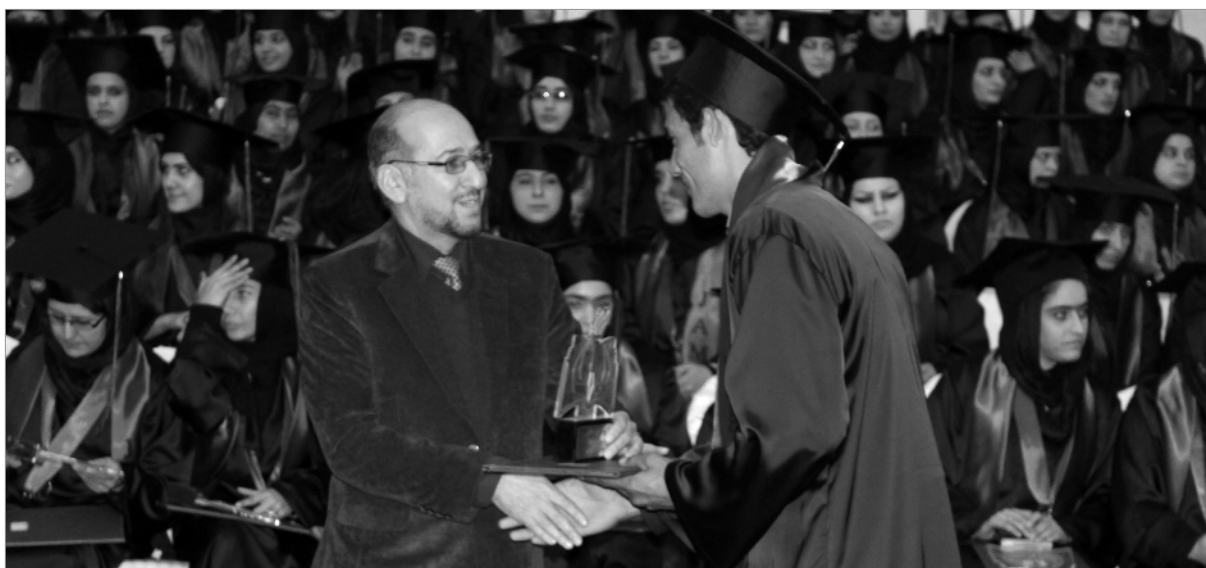
زراعت و مال‌داری رکن اصلی اقتصاد ملی هر کشور محسوب می‌شود. در جغرافیای اکثر ولایات افغانستان، به ویژه هرات به دلیل آب، خاک و هوای مناسب، زمینه کشاورزی و زراعت بسیار مستعد و آماده است. آنچه در این زمینه کمبود احساس می‌شود نبود نیروهای مسلکی و مدیریت



به عمران و رشته انجینیری است. معاونت علمی پوهنتون جامی و دانشکده انجینیری با درک این مهم و با توجه به معیارهای پذیرفته شده جهانی در کار عمران، این دانشکده را مدیریت و سیاست‌گذاری می‌کنند و در طی چهار سال صدها تن از دانش-آموختگان رشته انجینیری را فارغ التحصیل و تحویل جامعه و کاروان سازندگی و آبادسازی کشور نموده است.

۵. دانشکده شرعیات و علوم اسلامی

اخلاق و قانون‌مداری و دانستن اصول رفتارهای پسندیده در جامعه سبب امنیّت و ثبات ملت‌ها شده و میزان



امکانات طبیعی است. پوهنتون جامی به منظور جبران این کاستی و ترویج زراعت مبتنی بر علم روز، بر آن شد تا دانشکده زراعت و اگرانومی را در چارچوب نظام آموزشی خود قرار دهد و برای اولین بار دانشکده خصوصی زراعت را در سطح حوزه غرب کشور تأسیس نماید. در حال حاضر

حال که الحمد لله، کشور، کم کم در راستای شکوفایی و تعالی گام می‌گذارد بیش از هر چیز دیگر، نیاز به نیروهای مسلکی، فنی و متخصص دارد، تا با طراحی و ساخت سدهای آب‌گردان به منظور کنترل و مدیریت منابع آبی کشور، ساخت برج‌های بلند تجارتي، طراحی و اجرای ساخت شهرها، پل‌ها و بزرگراه‌ها در پیشرفت و مدرن‌سازی وطن، گام‌های قوی و محکمی بردارند.

صرفه جویی در آب و همچنین در مبارزه با امراض و آفات و جلوگیری از فرسایش خاک، گامی به سوی پیشرفت و خودکفایی کشور بردارد.

زمینه کاری این رشته دانشگاهی فراوان است. فارغ التحصیلان می‌توانند در دواير و زیر مجموعه وزارتخانه زراعت، انرژی، آب و انکشاف دهات ایفای وظیفه نمایند. همچنین رویکرد

آموزشی دانشکده زراعت طوری است که فارغ التحصیلان بتوانند در بخش‌های ریاست جنگلات، ترویج زراعت، مالداري، خدمات و ترنری، گمرکات، بانک‌ها، اتاق‌های تجارت، شرکت‌های تولید مواد غذایی و مؤسسات خارجی مصدر خدمات برای کشور و مردم گردد.

دانشجویان زیادی در این رشته از محضر استادان توانمند و با تجربه کسب دانش می‌کنند.

اهداف بلند مدت این دانشکده آن است که با تربیت افراد فنی، مسلکی و متخصص امور زراعت، در مدرنیزه شدن بخش‌های زراعت و باغداری کمک نماید و برای اصلاح و تکثیر نباتات و استفاده بهینه از ثروت‌های طبیعی و

ج) برنامه‌های علمی، فرهنگی و خدمات جانبی دانشگاه جامی

علمی، اداری، استادان و دانشجویان این دانشگاه از طریق وب سایت جامی بتوانند با ایجاد ایمیل آدرس به اطلاعات و معلومات لازمه، مانند اخبار و رویدادهای روز مره دانشگاه جامی، لوایح و مقررات وزارت تحصیلات عالی، نحوه توزیع بورسیه‌های تحصیلی، آشنایی با سیستم کریدیت، کتابخانه الکترونیکی و دهها مورد دیگر به گونه سریع و آسان دسترسی داشته باشند و همچنان مطابق به پالیسی دانشگاه هریک از اساتید، کارمندان و دانشجویان می‌توانند از ایمیل رسمی دانشگاهی با پسوند جامی جهت اشتراک در برنامه‌های

پوهنتون جامی به منظور توانمندسازی، ارتقای ظرفیت اندیشه، دانش و کارایی محصلان علاوه بر درس‌های کریدیت‌ها و مضامین تخصصی و معیاری، برنامه‌های جانبی زیادی را روی دست گرفته و به طور منظم در حال اجرا می‌باشند:

۱. ایجاد سیستم «ایمیل آدرس» برای هر دانشجو و کارمند

دانشگاه جامی با قرارداد یکصدساله با شرکت Google این امکان را فراهم کرده است که تا اعضای هیئت

تحقیقی، پژوهشی و عضو شدن در انجمن‌ها و ژورنال‌های علمی در سطح ملی و بین‌المللی، برخوردار شوند که این امتیاز پس از ختم دوره تحصیلی نیز ادامه خواهد داشت.

۲. اعلان نتایج امتحانات به صورت آنلاین

آگاهی از نتایج و نمرات امتحانی و کنکوری به

صورت آنلاین سهولت دیگری است که پوهنتون جامی برای دانشجویان خود در نظر گرفته و اکنون آماده و در حال اجراست، تا از اتلاف وقت و سرگردانی‌های بی‌مورد جلوگیری نماید.

۳. جذب فارغان ممتاز به عنوان کادر علمی دائمی

دانشگاه جامی افرادی از فارغان برتر خویش را به سمت‌های گوناگون گماشته و بستر توانمندسازی و ظرفیت (تحصیلات تکمیلی) را برای آنان فراهم می‌سازد و از طرفی خود را متعهد به این می‌داند که شرایط کاری را برای فارغ‌التحصیلان خود از طریق برگزاری برنامه‌های تقویتی و ایجاد ارتباطات با نهادهای ملی و بین‌المللی جهت جذب در بازار کار آماده سازد.

۴. توأمیت و ارتباط با دانشگاه‌های بین‌المللی

پوهنتون جامی تا سال ۱۳۹۷ برای بیش از ۲۰۰ تن از دانشجویان و اعضای کادر علمی خود را برای ادامه

سالانه چهار شماره فصلنامه، نشریه علمی تحقیقی این دانشگاه و نشریه ویژه دانشجویی به نام جام دانش به زیور چاپ آراسته می‌گردد و در پهلوی آن تحقیقات جداگانه‌ای در رشته‌های مربوطه توسط اساتید این دانشگاه انجام می‌یابد.

تحصیل در مقاطع ماستری و دکترا زمینه‌سازی کرده است و امروز تعداد زیادی در دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی در خارج از کشور مشغول تحصیل هستند و یا دوره تحصیلی در رشته‌های کلیدی و مورد نیاز کشور را با موفقیت ختم کرده و متعاقباً دوره‌های دیگری را آغاز و در حال تحصیل می‌باشند.

۵. مرکز تحقیقات علمی پوهنتون جامی

اکتشافات، اختراعات و دست‌آوردهای کنونی بشر حاصل تلاش‌ها و پژوهش‌های کادرهای علمی است. پوهنتون جامی نیز با تکیه به اهمیت، ارزش و جایگاه تحقیقی در جهان و درک نقش تحقیق در عرصه‌های گوناگون، خود را ملزم می‌داند تا به کاروان محققان بزرگ منطقه ملحق گردیده و دست‌آوردهای تحقیقی را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد. جهت اجرای این امر مهم تا هنوز چند کتاب علمی و درسی را به چاپ رسانده یا آماده چاپ کرده است، همچنین سالانه چهار شماره فصلنامه، نشریه علمی تحقیقی این دانشگاه و نشریه ویژه دانشجویی به نام جام دانش به زیور چاپ آراسته می‌گردد و در پهلوی آن تحقیقات جداگانه‌ای در رشته‌های مربوطه توسط اساتید این دانشگاه انجام می‌یابد.

۶. کمیته تضمین کیفیت

تضمین کیفیت روند پژوهش و دانش در پوهنتون جامی سرلوحه اهداف عمده این دانشگاه است، این فرایند هر



سمستر در قالب روش‌های کارا و مؤثر روی دست گرفته می‌شود، فرایندهای مطلوب تقویه گردیده و برای رفع آسیب‌های موجود اصلاحات صورت می‌گیرد.

۷. آموزش زبان و مهارت‌های کامپیوتر

تطبيق کاریکولم وزارت تحصیلات عالی بخشی از التزامات اکادمیک هر مؤسسه تحصیلی است. دانشگاه جامی علاوه بر پای‌بندی بر این اصول، فرصت آموزش زبان، یادگیری مهارت‌های کامپیوتری و کارگاه‌های آموزشی در زمینه کارآفرینی را برای دانشجویان برگزار نموده که برای اشتراک کنندگان نتیجه مطلوب دربر داشته و تعداد زیادی به مشاغل مورد نظر خویش دسترسی پیدا کرده‌اند.

از دیگر کارها و فعالیتهای علمی و فرهنگی پوهنتون جامی به قرار ذیل است:

۱. برگزاری سیمینارهای آشنایی با سیستم کریدیت و ضوابط دانشگاه برای دانشجویان جدیدالشمول؛

۲. تدویر سیمینارهای روش تحقیق علمی و مونوگراف‌نویسی؛

۳. آموزش زبان انگلیسی یکساله به صورت معیاری؛

۴. آموزش روش استفاده و تحقیق بهینه از انترنت و فضای مجازی؛

۵. راه اندازی سیرهای علمی و تفریحی؛

۶. شبیه‌سازی کنفرانس‌های مهم ملی و بین‌المللی.

(د) چشم انداز فردا

تاکنون دانشگاه جامی در میان نهادهای تحصیلات عالی خصوصی در ولایت هرات، از کمی و کیفی بیشترین فارغ‌التحصیل را از رشته‌های انجینیری عمران، اقتصاد و مدیریت، شرعیات و علوم اسلامی، حقوق و علوم سیاسی به جامعه تقدیم نموده است.

این دانشگاه با تدوین پلان استراتژییک جامع در نظر دارد طی سال‌های پیش‌بینی شده در پلان، با تأسیس و توسعه زیرساخت‌ها، انکشاف بخش‌های اکادمیک، تقویت مبانی تکنولوژی معلوماتی، ایجاد فضاهای وسیع‌تر آموزشی، ورزشی، انکشاف ظرفیت‌ها، بهینه‌سازی سیستم اداری و ارائه خدمات دانشجویی، تقویت بنیه تحقیقات علمی و تولید علم، تأسیس شفاخانه معیاری کادری،

کارآفرینی برای فارغان و گسترش توأمیت‌ها با پوهنتون‌های معتبر داخلی و بین‌المللی به سمت قله‌های دانش و پژوهش حرکتی منضبط و سیستماتیک داشته، چشم انداز آینده را بر روی نسل فردا هرچه با شکوه‌تر رقم زند. پوهنتون جامی با پشتوانه اعتماد ملی و مردمی و اعتبار اکادمیک بر بلندای قله تحصیلات خصوصی این خطه با قامتی استوار ایستاده است و با امید و نشاط و تعهد، نظاره‌گر فردای سبز برای نسلی است که جامی را به مثابه تکیه‌گاه مطمئن خویش در امر کسب دانش تخصصی برگزیده‌اند.

جامی احیاگر مفاخر دیروز، مشعلی تابناک به افق‌های فردا...



بررسی موانع سیاسی توسعه در افغانستان

محمدادریس سروری

فارغ التحصیل رشته حقوق و علوم سیاسی پوهنتون جامی

تأمین شده باشد، برخی هم نظام خوب سیاسی را نظامی می‌شمارند که قادر به تأمین امنیت و آرامش باشد. منظور عده‌ای دیگر از نظام مقتدر، نظامی است که هویت ملی را برجسته‌تر سازد و هستند کسانی که بیشتر در فکر شغل، مکتب و شفاخانه و سایر امکانات زندگی می‌باشند و تأمین آن را از دولت مطالبه دارند. شماری هم در هوای دولتی هستند که بدون حضور سربازان خارجی قادر به

در افغانستان توسعه سیاسی یک اصطلاح تازه وارد است. سیاستمداران و اهل مطبوعات کشور به جای استفاده از اصطلاح توسعه سیاسی، بیشتر از عبارات چون نظام سیاسی مطلوب، دولت قدرتمند، نظام پاسخگو و دولت مشروع استفاده می‌کنند و در تعریف آن نیز دیدگاه‌های متفاوتی را ارائه می‌دارند. برخی، منظورشان از نظام سیاسی مطلوب، نظامی است که در آن مشارکت مردم

انجام وظایف خود باشد. هرگاه حکومتی که بتواند این شاخص‌ها را داشته و خواسته‌ها را تأمین نماید، دارای رُشد و توسعه سیاسی به حساب می‌آیند.

دانشمندان علوم سیاسی در تعریف توسعه سیاسی نظریات گوناگونی ارائه کرده و هر یکی از زاویه‌ای به این مسئله نگریده‌اند. از جمله هانتینگتون ویژگی‌های یک نظام سیاسی توسعه یافته را چنین بازگو کرده است: «هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان اندازه نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد.» (قوم، ۱۳۸۸: ۱۵) لوسین پای از توسعه سیاسی به عنوان یک پدیده سه وجهی با مشخصات زیر ارایه می‌کند: «برابری مشارکت سیاسی، ظرفیت سیستم سیاسی برای ایجاد ثبات و آرامش در جامعه و اقتصاد، متمایز کردن و تخصصی کردن ساختارهای اداری و کارکرد آن‌ها را اراده کرده است.» (امین زاده، ۱۳۷۷: ۱۹۶) لوسین پای توسعه سیاسی را در توانایی یک نظام سیاسی برای اداره و کنترل بحران‌ها می‌خواند. از نظر پای، بحران‌هایی که در مسیر نوسازی و توسعه در هر جامعه‌ای قرار دارند، عبارتند از:

۱. بحران هویت. این بحرانی است که باعث از خود بیگانگی افراد می‌گردد و در صورت تشدید این بحران، اشخاص به صورت عناصر هویت باخته و ناچیز که نقش‌ها و اقتدار خویش را از دست داده‌اند، در می‌آیند و زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌گردد.

۲. بحران مشروعیت. زمانی افراد یک جامعه از دستورات رهبران‌شان اطاعت می‌ورزند که آن را مشروع بیندارند. بدین ترتیب رهبران سیاسی یک کشور تنها با مشروعیت و با اتخاذ تصامیم بجا و مناسب می‌توانند، حمایت افراد جامعه را به دست آورند و باعث ایجاد ثبات گردند، زمانی

که مشروعیت یک دولت زیر سؤال رود، ارتش و استخبارات کار زیادی انجام داده نمی‌توانند.

۳. بحران یکپارچگی. مقصد از یکپارچگی مجتمع ساختن اجزای یک جامعه است. نظام توسعه یافته سیاسی اختلافات نژادی، قومی، زبانی، مذهبی و طبقاتی را کاهش داده و راه حل‌های قانونی در این رابطه ارائه می‌دارد. هرگاه دولت نتواند، به حل این مسایل بپردازد، افراد به جای آنکه خود را به یک ملت متعلق بشمارند، به یک گروه، صنف و طبقه کوچک وابسته می‌دانند و به آن تکیه می‌کنند و این موجب بحران می‌گردد.

۴. بحران توزیع. دولت‌های مُدرن چیزی بهتر از خدمت‌گزاری برای مردمش ندارند و این خدمت‌گزاری زمانی صورت می‌پذیرد که دولت بتواند در تقسیم کرسی‌های اداری کشور و عرضه خدمات، عادلانه عمل کند، در غیر آن بخش‌های محروم سر به مخالفت می‌زنند و بحران توزیع شکل می‌گیرد. (قوم، ۱۳۷۳: ۱۳۳-۱۳۶)

در مورد توسعه سیاسی هر اندیشمندی از یک منظر خاص به آن نگریده است، یکی به بُعد دموکراسی تأکید داشته است، دیگری به قدرت نظام سیاسی اهمیت قایل شده و سومی توانایی و قابلیت‌های نظام سیاسی را در مسیر نوسازی در نظر گرفته است.

اما مقصود نویسنده از توسعه سیاسی در افغانستان، عبارت از دولتی است که قادر به ایجاد هویتی واحد از مجموع هویت‌های متعدد قومی بوده و به معنای امروزی آن حدود و ثغور معین داشته باشد و زمینه مشارکت را به طور مساوی برای همه شهروندان کشور میسر گرداند. قدرت سیاسی به طور مسالمت‌آمیز دست به دست گردد و معضلات خویش را با توسل به قانون حل و فصل کند. بحران مشروعیت و بحران هویت را در داخل کشور حل کند و همچنین دولت توسعه یافته، باید خود را مکلف بدارد تا با تقویت نهادهای مدنی بپردازد.

اما در افغانستان برای رسیدن به توسعه سیاسی و رسیدن به

این شاخص‌ها و اهداف، موانعی وجود دارد. مشکلات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مهم‌ترین آنهاست که نیاز به شناخت و بررسی دارند.

۱. موانع سیاسی

الف. وجود نهادهای موازی و متعارض

وجود نظام سیاسی متعارض در حاکمیت کشور، یکی از موانع جدی توسعه سیاسی است. در قانون اساسی، رئیس جمهور را در رأس دولت قرار داده و صلاحیت‌های تقنینی، اجرایی و قضایی را به او تفویض کرده است. رئیس جمهور حافظ مصالح و منافع ملی شناخته شده و در برخی مواقع به آرای مردم یا فرزندم مراجعه کرده می‌تواند؛ اما پارلمان در شکل‌گیری کابینه نقش دارد. پارلمان می‌تواند وزراء و اعضای کابینه را استیضاح و برکنار نماید. این اصل، رژیم را متمایل به یک رژیم نیمه پارلمانی یا شبه ریاستی و ضمناً قدرت رئیس جمهور را با محدودیت مواجه می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که نظام سیاسی افغانستان نه پارلمانی و نه ریاستی کامل است، بلکه نیمه ریاستی است. (رحیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۷)

رئیس جمهور و اعضای پارلمان هر دو مدعی‌اند که از مردم افغانستان نمایندگی می‌کنند و مشروعیت خود را به طور مستقیم از مردم به دست می‌آورند؛ به همین اساس اذعان می‌کنند که در تشخیص منافع مردم و کشور از دیگران داناتر و در دفاع از آن برحق‌ترند. این مسئله از آغاز کار پارلمان تا اکنون باعث تنش میان رئیس جمهور و پارلمان شده است.

به عنوان نمونه در تاریخ ۲ / ۵ / ۲۰۰۸ وقتی که نمایندگان، وزرای خارجه و عودت مهاجرین را برای استیضاح فراخواندند و به آنان رأی عدم اعتماد دادند، این تنش به اوج خود رسید. رئیس جمهور در این میان رأی عدم اعتماد وزیر عودت و مهاجرین پذیرفت، ولی از پذیرفتن رأی عدم اعتماد وزیر امور خارجه امتناع ورزید و آن را به دادگاه عالی محول کرد و دادگاه عالی با پذیرفتن نظر رئیس جمهور، برخلاف انتظار به ابقای وزیر و خطای نمایندگان رأی داد. مجلس نمایندگان این حکم دادگاه را خلاف قانون و خارج از دایره صلاحیت دادگاه عالی دانسته و از پذیرفتن آن امتناع ورزید. در افغانستان رئیس جمهور با داشتن نقش دوگانه رئیس دولت و رئیس حکومت می‌تواند همه مسئولین حکومتی را از بالاترین مقام در مرکز تا نازل‌ترین مقام در سطح ولایت‌ها و ولسوالی‌ها مقرر و بر طرف کند. این دوگانگی مقام، در ضمن تقویت استبداد و تکروری، زمینه مشارکت همگانی اقوام مختلف را در صحنه سیاسی محدود ساخته و منجر به دیکتاتوری فردی می‌گردد. تقسیم قدرت میان ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه تعارض و تضاد سیاسی کشور را بیش از همه برجسته کرده و با مشکل جدی روبه رو نموده است.

ب. پارلمان ملی و حرف‌های قومی

ارسطو می‌گوید: «شهروند خوب، دولت خوب و شهروند بد، دولت بد، می‌سازد»، یعنی ملت قوی دارای پارلمان قوی و یک ملت نه چندان قوی پارلمان ضعیف و بیمار دارد. بریتانیا

وجود نظام سیاسی متعارض در حاکمیت کشور، یکی از موانع جدی توسعه سیاسی است. در قانون اساسی، رئیس جمهور را در رأس دولت قرار داده و صلاحیت‌های تقنینی، اجرایی و قضایی را به او تفویض کرده است.

که قدیمی‌ترین پارلمان جهان را دارد و «مادر پارلمان‌های جهان» به حساب می‌آید ناشی از وضعیّت و شرایط خاص جامعه و مردم این کشور است. (خطیبی، ۱۳۹۲: ۱۵۰) شورای ملی جمهوری اسلامی افغانستان عالی‌ترین نهاد قانون‌گذاری است که به دو بخش وُلّسی جرگه (مجلس نمایندگان) و میشرائو جرگه (مجلس سنا) تقسیم می‌شود. بحران قوم‌گرایی در پارلمان مانع بسیار جدی در

قوم‌گرایی در همان آغاز کار مجلس نمایندگان را به بن بست کشانید. بیشتر نمایندگان خواهان این بودند که رئیس مجلس از قوم و قبیله یا حتّی از ولایت خودشان باشد. برای آنان مسئله لیاقت، ظرفیّت، مدیریت، علمیت نامزادان مهم نبود و فقط تعلّقات قومی معیار انتخاب آنان بود.

علنی باشد؛ اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد و حزب بر اساس قوم، سمت، زبان و مذهب فقهی تأسیس نگردد. ولی دیده می‌شود که احزاب با وجود تعددی که دارند، ناکار آمد و از ضعف‌های زیادی برخوردارند که این ضعف‌ها موجب به حاشیه کشیده شدن آنها از قدرت شده است. نداشتن رهبری مناسب، نداشتن تشکیلات منسجم، نبود اهداف دراز مدّت و

کلان، بی تفاوتی نسبت به اوضاع جاری کشور و تشدید اختلافات قومی و سمتی از کاستی‌های جدی احزاب سیاسی در کشور می‌باشد. (خطیبی، ۱۳۹۲: ۱۶۵)

د. مداخلات خارجی

یکی از مهم‌ترین عامل معضل افغانستان مداخلات خارجی است که مانع جدی توسعه سیاسی شده است. پاکستان بعد از خروج نیروهای ارتش سرخ، زمینه را برای خلع سلاح افغانستان آماده ساخت و در قدم بعدی با فعالیت‌های استخباراتی به تشدید جنگ و اختلافات بین احزاب دامن زد، تا بتواند بی‌ثباتی تام را در افغانستان حاکم نماید. برخی شکل‌گیری طالبان را در راستایی سیاست‌های منطقه‌ای کشورهای، پاکستان، عربستان، امارات متحده عربی ارزیابی می‌کنند و معتقدند طالبان مستقیماً توسط سازمان اطلاعات نظامی پاکستان به وجود آمده است.

ایران با حضور همه جانبه و جدی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی افغانستان کوشیده است، تا از نفوذ دراز

راه توسعه سیاسی کشور شده است. این پدیده در داخل پارلمان افغانستان هم در مجلس نمایندگان و هم در مجلس سنا رسوخ کرده است که عامل تعیین کننده رفتار، گفتار و تصمیم بسیاری از اعضای شورای ملی کشور می‌باشد. مجلس نمایندگان فعلی در اولین هفته کاری خود بر سر انتخاب ریاست پارلمان به چه وضعیتی رسیده بود. قوم‌گرایی در همان آغاز کار مجلس نمایندگان را به بن بست کشانید. بیشتر نمایندگان خواهان این بودند که رئیس مجلس از قوم و قبیله یا حتّی از ولایت خودشان باشد. برای آنان مسئله لیاقت، ظرفیّت، مدیریت، علمیت نامزادان مهم نبود و فقط تعلّقات قومی معیار انتخاب آنان بود. (خطیبی، ۱۳۹۲: ۱۶۰)

ج. احزاب سیاسی ناکارآمد

مطابق ماده ۳۵ قانون اساسی، احزاب سیاسی می‌توانند در کشور تأسیس شوند، مشروط بر این که مرامنامه و اساسنامه این احزاب با احکام دین اسلام و ارزش‌های مندرج قانون اساسی در تعارض نباشد؛ همچنین تشکیلات و منابع حزب

مدت غرب به خصوص امریکا در افغانستان جلوگیری نماید؛ اما وابستگی همه جانبه افغانستان به غرب و امریکا و همسویی نسبی با ایران باقی ماند. امضای قرارداد استراتژیک میان امریکا و افغانستان در حالی که ایران به شدت مخالف امضای این قرارداد بود، جانب امریکا در تلاش جدی برای امضای آن فعالیت کرد. در نهایت امضای این سند ناخرسندی و مداخلات بیشتر ایران را فراهم ساخت.

امریکا همواره تلاش دارد تا نظام سیاسی آینده افغانستان به گونه‌ای سامان یابد که بیشترین هماهنگی و همسویی را با سیاست‌های امریکا در خاورمیانه و منطقه داشته باشد. این مسائل باعث تنش‌های منطقه‌ای شده و مشکلات زیادی برای کشور به ارمغان آورده و زمینه توسعه سیاسی را عقیم ساخته است.

۲. موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه سیاسی

الف. ناآگاهی و بی‌سوادی

یکی از خصوصیات کشورهای توسعه نیافته، داشتن نرخ بالای بی‌سوادی است. افغانستان را می‌توان از نگاه پایین بودن سطح سواد در ردیف کشورهای بی‌سواد که از فقر علم و سواد، به شدت رنج می‌برد. جنگ‌ها و ناآرامی‌های داخلی سه چهارم دهه گذشته در افغانستان علاوه بر این که در همه عرصه تأثیرات جبران ناپذیر از خود به جا گذاشت، میزان بی‌سوادی در کشور را نیز افزایش داد. در حال حاضر ۶۶ درصد مردم کاملاً از نعمت سواد بی بهره‌اند و ۳۴ درصد مردم کشور با سوادند که بیشتر این افراد تنها توانایی خواندن و نوشتن دارند.

ب. تعصبات و قوم‌گرایی

وجود اقوام گوناگون در کشورهای جهان یک امر آشکار و امتیاز است که گروه‌های قومی با زبان‌های مختلف و فرهنگ‌های گوناگون در کنار هم زندگی

می‌کنند و ملت واحدی را ساخته‌اند. به راستی آیا تعدد قومی در تداوم بحران و توسعه نیافتگی در افغانستان نقش دارد یا خیر؟ شماری بدین باورند که زمانی تعدد و تنوع نژادها و اقوام، مشکل ساز می‌گردد که هرکدام به حق خود قناعت نکرده و به حق دیگران دست درازی کنند. این کار باعث می‌شود که جلو توسعه سیاسی گرفته شود؛ زیرا توسعه یافتگی سیاسی از مساوات و برابری سخن می‌راند که با برتری جویی در تقابل است. تنوع اقوام در افغانستان بیان‌گر آن است که نظام سیاسی یا ساختار سیاسی در افغانستان باید حقوق و مشارکت عادلانه این اقوام را در نظر گرفته و از تکرار استعمال یک قوم علیه دیگری یا درجه‌بندی و سلسله مراتبی ساختن اقوام در مشارکت در قدرت و کسب امتیازات جلوگیری نماید.

ج. ضعف فرهنگی

عوامل مختلفی چون بی‌سوادی، ناهم‌گونی‌های قومی، زبانی و مذهبی و ناپیوستگی‌های اجتماعی و زندگی‌های مجزا در روستاهای دور دست و داخل دره‌ها احساس همبستگی و هویت ملی را دچار مشکل جدی کرده است. حس ملی در افغانستان به آگاهی عمومی و خودجوش مبدل نشده و اگر گاهی از روحیه ملی و وحدت ملی در سطح افکار عمومی سخن می‌رود، تنها در زمان هجوم خارجی‌ها به صورت عاطفی مورد بحث و توجه قرار می‌گیرد. استبداد پذیری، بی‌تفاوتی در برابر پدیده‌های خوب و بد سیاسی و اجتماعی، اطاعت و انقیاد از حاکم و زمامدار بخشی دیگر از تبعات بحران فرهنگی جامعه افغانستان و یکی از موانع شکل‌گیری دولت مدرن و توسعه سیاسی است.

د. سنت‌های قبیله‌ای و خرافه‌پرستی

پیرسالاری در کشور پدیده نادرست اجتماعی است و ریشه در

خرافات دارد. در نظام پیرسالاری و کلان محوری، تصمیمات اجتماعی، معیار درست و علمی ندارد. رفتارها، گفتارها و کردارها بر مبنای اندیشه پیر مریدی است و تصمیمات کلان اجتماعی و خانوادگی بر اساس نظر موسفیدان سنجیده و ارزیابی می‌گردد. هیچ طبقه و عناصر دیگر اجتماعی، نمی‌توانند رفتار و گفتار پیران جامعه را مورد نقد و ارزیابی قرار دهند، جوانان ولو از تحصیلات آکادمیک

مردسالاری و زن ستیزی خرافه دیگری است که در اندیشه و وجدان اجتماعی ما ریشه گرفته است. مرد در نظام خانواده و جامعه تمامی در تصمیم‌گیری‌ها نقش اصلی دارد. ارزش و جایگاه اجتماعی که اسلام برای زنان قایل است مانند ارث و حضور مشارکت در روابط اجتماعی نادیده گرفته می‌شود.

زنان نصف جامعه است، ولی از حقوق سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محروم می‌باشند. حضورشان در اجتماع کم‌رنگ و در چار دیواری خانه محصور و محبوس هستند و حق اشتراک در فعالیت‌های بیرون منزل را ندارند. مسلماً این یکی از موانع اصلی توسعه سیاسی محسوب می‌شود.

۳. موانع اقتصادی توسعه سیاسی

الف. فقر و وابستگی اقتصادی

فقر اقتصادی و ناتوانی‌های عمیق در بنیاد اقتصادی از موانع جدی دولت و ملت‌سازی در افغانستان است. فقر اقتصادی و کمبود هزینه‌های مالی ناشی از این فقر، دولت افغانستان را در وابستگی دایمی به کمک‌های خارجی می‌کشاند و قطع این کمک‌ها به احتمال زیاد به فروپاشی دولت منجر می‌شود. دولت افغانستان برای تأمین هزینه‌های بودجه عادی و انکشافی خود با گذشت بیش از پانزده سال هم‌چنان میلیاردها دلار کمک‌های بلاعوض و قرضه دریافت می‌کند. این ضعف پیوسته به استقلال واقعی دولت صدمه جدی وارد می‌کند.

ب. فساد مالی و اداری

بزرگترین مشکل دولت افغانستان فساد مالی و اداری است. کمک‌های بین‌المللی برای افغانستان در عرصه‌های مختلف اقتصادی و امنیتی بسیار با اهمیت تلقی می‌شود؛ اما از آن مهم‌تر مدیریت استفاده از این کمک‌ها بود تا موجب توسعه کشور شود؛ ولی مدیریت فاسد در افغانستان

برخوردار باشند حق مداخله و ابراز نظر در اقدامات و تصمیمات پیران جامعه را ندارند. حتی اگر آن تصمیم، واضحاً غلط باشد.

مردسالاری و زن ستیزی خرافه دیگری است که در اندیشه و وجدان اجتماعی ما ریشه گرفته است. مرد در نظام خانواده و جامعه تمامی در تصمیم‌گیری‌ها نقش اصلی دارد. ارزش و جایگاه اجتماعی که اسلام برای زنان قایل است مانند ارث و حضور مشارکت در روابط اجتماعی نادیده گرفته می‌شود. در جامعه سنتی، به ویژه جامعه ما زنان از تمام حقوق زنان خود محرومند. در تصمیمات خانوادگی و جمعی برای زنان یا نقشی قایل نیستند و یا نقش درجه دوم قایل اند که خود این پدیده خرافی به ساختار فرهنگی و اجتماعی ما بستگی دارد. حقوق دختران از زمان تولد تا هنگام مرگ توسط پدر، برادر و سایر خویشانان نقض می‌گردد. در خوراک و پوشاک، صحت، تحصیل و سایر امتیازات، پسران نسبت به دختران برتری دارند. مسلماً این پدیده یکی دیگر از منابع توسعه انسانی است.

منابع و مأخذ

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۹)، مقدمه ابن خلدون، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. ازکیا، مصطفی و دیگران (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
۳. خطیبی، احمد ارشاد (۱۳۹۲)، پارلمان افغانستان، تصویر کوچک شده افغانستان. وب سایت
۴. خطیبی، احمد ارشاد (۱۳۹۳/۳/۲۵)، «فرهنگ سیاسی و انتخابات در افغانستان» وب
۵. خطیبی، احمد ارشاد (۱۳۹۰/۲/۵)، «ضعف‌های کلان احزاب سیاسی در افغانستان» وب
۶. رسولی، جعفر (۱۳۸۳)، تأثیر سیاست خارجی بر توسعه نیافتگی افغانستان، کابل: انتشارات میوند.
۷. سایت جام نیوز، کد مطلب ۲۶۳۸ نشانی - www.Jom-hornews.com
۸. سایت جام نیوز، کد مطلب ۵۱۳۲۳ نشانی - www.Jom-hornews.com
۹. سجادی، عبدالقیوم (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان، کابل: انتشارات فرهنگ.
۱۰. سیف زاده، دکتر حسین (۱۳۸۸)، پانزده مدل نوسازی، توسعه و دگرگونی سیاسی، تهران: نشر قومس.
۱۱. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۷)، بنیادهای علم سیاست، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات غزال.
۱۲. موثقی، احمد (۱۳۸۸)، نوسازی و اصلاحات در ایران، تهران: انتشارات قومس.
۱۳. هریسون، لهریسون وهاتینگتون (۱۳۸۸)، اهمیت فرهنگ، تهران: انتشارات امیرکبیر.

این فرصت را به چالش مبدل کرد و با افزایش کمک‌ها، فساد هم افزایش یافت، در حالی که تغییر در ظرفیت دولت از یک دولت ناسالم به دولت سالم و پاسخگو، کمک‌های خارجی را به فرصت خود کفایی و استقلال اقتصادی مبدل می‌کرد. فساد مالی و اداری در درون دولت افغانستان به خصوص در زمان ریاست جمهوری حامد کرزی، چنان گستردگی پیدا کرد که افغانستان را در ارزیابی سالانه سازمان شفافیت بین‌المللی که در برلین آلمان مستقر است، در لیست یکی از سه دولت فاسد جهان قرار داد.

ج. بیکاری

بیکاری یکی دیگر از مشکلات جامعه است. در دو دهه گذشته، نبود امنیت، بزرگترین چالش بوده که میزان بیکاری در افغانستان را افزایش داده است. چرا که نبود امنیت باعث شده است که سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی در افغانستان سرمایه‌گذاری نکنند. بسیاری از مهاجرت‌ها به کشورهای همسایه هم به دلیل بیکاری است و اگر برای آنها فرصت‌های شغلی ایجاد شود از مهاجرت آن نیز جلوگیری خواهد شد.

بنابراینچه گذشت، توسعه سیاسی از نیازهای اساسی کشور است. این نیاز، سال‌هاست که با چالش بسیار جدی رو به رو است و هرچه زمان بیشتر می‌گذرد این مسئله بزرگتر و جدی‌تر می‌شود. نبود نظام یک‌دست و منسجم، فساد گسترده مالی، نبود احزاب مقتدر، قوم‌گرایی، فقر، بیکاری و مداخلات خارجی از موانع اصلی توسعه سیاسی افغانستان است که نیاز است ریشه‌های آن شناسایی و خشکانده شوند تا درخت بارور توسعه سیاسی در کشور شکل بگیرد و از بحران‌های موجود عبور نمایند.



نقش اجتهاد در گستره تشریح قوانین اسلامی

عبدالکریم فایق

فارغ التحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه جامی

است از بذل تمام قدرت جهت به دست آوردن حکم شرعی به نحوی که احساس کند که بیشتر از آن نتوان، تلاش ورزید. کسی را که وسع خود را در این راه مصروف می‌دارد «مجتهد» می‌گویند و حکم ظنی که به دست آورده است، «مجتهدیه» گفته می‌شود. حوزه و کاربرد اجتهاد در مسائلی است که نصی از قرآن

اجتهاد در لغت به معنای سعی و کوشش و تحمّل تلاش و سختی است؛ چنانکه گفته می‌شود: اجتهاد فی امر ثقیل (در یک کار سخت و پُرمشقت تلاش ورزید)؛ اجتهاد در اصطلاح عبارت است از به کار بردن توانایی و وسع یک اسلام‌شناس ورزیده و متخصص دین در تحصیل امری و استنباط یک مسئله شرعی؛ به تعبیر دیگر اجتهاد، عبارت

و حدیث در آن زمینه وارد نشده باشد، یعنی آیه‌ای و روایتی وجود نداشته باشد و قانونگذار با در نظر گرفتن مصالح و مفاسد، حکمی برای آن، قائل شود.

اساس و مصدر شریعت اسلامی در عهد پیامبر اسلام، «وحی الهی» بود که از نزد خداوند (ج) بر او نازل می‌شد. وحی به دو بخش تقسیم می‌شد: یکی به نام «وحی جلی» یعنی قرآن کریم؛ دیگری به نام «وحی خفی» یعنی سنت مطهر پیامبر یاد می‌شدند. در تاریخ اسلام، این قضیه ثابت شده است که پیامبر (ص) در برخی از قضایا اجتهاد کرده و برای اصحاب کرام هم اجازه داده است که پیرامون بعضی از مسائل اجتهاد کنند و اجتهاد برخی دیگر اصحاب را نیز تأیید نموده است.

با وجود آنکه کتاب الله (ج) و سنت رسول الله، هر دو اساس تشریح احکام و قوانین اسلامی هستند، با مراجعه به منابع اسلامی، به دلایل و مستندات قطعی که در آن هیچ شک و تردیدی وجود ندارد، ثابت شده است که رسول الله از طرف خداوند اجازه اجتهاد داشته است. از حضرت ایشان اجتهاداتی صادر شده و برای اصحاب خود نیز اجازه اجتهاد را داده است. در بسیاری از مواردی که اصحاب اجتهاد نمودند، مورد تأیید آن حضرت قرار گرفته است، چنانکه از آن حضرت فرمود: اگر بر امت من سخت نمی‌گذشت آنان را در هر وقت نماز به مسواک زدن امر می‌نمودم. برای یکی از همسران‌شان فرمود: اگر قوم تو نزدیک به عهد کفر نمی‌بود کعبه را به قواعد ابراهیمی آن می‌ساختم. همه این‌ها دلالت بر این دارد که رسول الله (ص) جهت مراعات مصلحت امت بعضی امور را بر بعضی دیگر ترجیح داده و آنچه به مصلحت بوده، اختیار و انتخاب نموده است.

اگر بر رسول الله (ص) اجتهاد جواز نمی‌داشت، ایشان هرگز دست به اجتهاد نمی‌زد؛ در حالی که دیده می‌شود در بسیاری از امور از ایشان اجتهاداتی صادر شده است. از آن جمله است که رسول الله (ص) بعضی مسائل را بر

اساس مصلحت که برایشان تقاضا می‌نمود، با وجود آنکه برایشان حلال بود بر خود حرام نمود؛ ولی، الله تعالی، در یک مورد ایشان را از آن منع کرد. این آیه شریفه در این مورد است: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ** (سوره تحریم، آیه: ۱) ای پیامبر، چرا چیزی را که خدا بر تو، حلال کرده است، به خاطر خشنود ساختن زنان بر خود حرام می‌کنی؟ و خدا آمرزنده و مهربان است. خدا برای شما گشودن سوگندهایتان را مقرر داشته است خداست یاور شما، و اوست دانا و حکیم.

حوزه کاربرد اجتهاد در اسلام

اجتهاد در مواردی که نصوص قطعی الثبوت و قطعی الدلالة وجود نداشته باشد، امکان کاربرد دارد؛ اما در مواردی که دلائلی قطعی وجود دارد؛ مانند نطق به شهادتین، فرض بودن نمازهای پنج‌گانه، روزه ماه رمضان، ... اجتهاد در این گونه موارد جایز نیست. گاهی نص عام یا مطلق یا امر یا نهی است و گاهی دلیل نسبت به معنای مراد به طریقه عبارت النص یا اشارت النص است و زمانی معنای نص ظاهراً مؤول است و گاهی عام بر عموم خود باقی می‌ماند یا و بر بعضی از مدلولاتش تخصیص می‌یابد و مطلق بر اطلاق خود جاری می‌شود، یا مقید ساخته می‌شود و امرگاهی برای وجوب است و گاهی برای ندب و نهی گاهی برای تحریم و گاهی برای کراهت است. مجتهد در این گونه موارد با استفاده از قواعد اصولی لغوی یا قواعد اصولی شرعی رأی را بر رأی دیگر ترجیح می‌دهد. یا هرگاه حادثه‌ای به گونه‌ای باشد که در مورد آن نه نصی وجود داشته باشد و نه اجماعی، مجتهد با ادله عقلی از قبیل قیاس، استحسان، مصالح مرسله، عرف، استحباب و امثال این‌ها از حکم آن بحث و اجتهاد می‌کند.

اهمیت جایگاه اجتهاد در فهم و استنباط احکام اسلامی

اسلام مکتب جامع و منطبق با سرشت آدمی است که در همه عصرها و نسل‌ها قدرت پاسخ‌گویی به نیازهای انسان را دارد. آموزه‌های اسلامی در سه بُعد: عقاید، اخلاق، و احکام خلاصه می‌شود. این تعالیم هرکدام در حوزه خود نیازهای انسان را تأمین و هدایت او را تضمین می‌کنند. فقه و احکام فقهی آن در مقام عمل متکفل شناخت راه صحیح از ناصحیح و تبیین‌کننده عمل خوب از بد، بر اساس مصالح و مفاسد است. هر انسانی به حکم عبودیت و بندگی در برابر احکام الهی مسئولیت دارد و باید رفتار خود را در همه مراحل زندگی با قوانین و دستورات الهی هماهنگ سازد از این رو لازم است موضع عملی خویش را در برابر هر رویدادی بر اساس خواست شارع مقدس تعیین کند.

بدیهی است که انجام تکالیف، جز با معرفت و شناخت چگونگی انجام آن ممکن نیست. یگانه راه شناخت و معرفت تکالیف با توجه به صعوبت احتیاط در همه امور، اجتهاد و فقاقت است. اگر احکام شرعی در همه موضوعات، روشن می‌بود، هر مکلفی می‌توانست حکم را به سادگی شناسایی کند و عمل خویش را بر آن منطبق سازد و نیازی به کاوش و تحقیق نداشت؛ ولی عوامل گوناگونی از جمله فاصله زمانی ما با زمان تشریح و نقش علوم گوناگون دیگر، سبب ابهام در شناخت احکام می‌گردد و همین امر سبب پیدایش و گسترش علم فقه گردیده تا با استنباط و اجتهاد، احکام و وظایف مکلفان مشخص شود و آنان بتوانند اعمال خود را در عبادات، معاملات، سیاسات و امور کیفری بر شریعت منطبق سازند. چون این کار، امری نظری و نیازمند صرف وقت برای تعلّم است، اگر همه افراد به تحصیل ملکه اجتهاد و فقاقت بپردازند، نظام معیشتی جامعه مختل می‌شود؛ به همین جهت اگر تنها، گروهی به آن اقدام کنند و دیگران

به آنان مراجعه و احکام را از آنان فرابگیرند، کافی است. در فقه گفته شده است که تحصیل قدرت و ملکه اجتهاد و نیز استنباط احکام بر مکلفان واجب است و این وجوب نه به جهت لزوم تطبیق عمل شخص مکلف بر شریعت است، زیرا وی می‌تواند مقلد یا محتاط باشد، بلکه به جهت زنده نگه داشتن شریعت و احکام آن است، بدین سبب این وجوب، وجوب کفایی است؛ یعنی در هر زمان گروهی باید به آن اقدام کنند و در این صورت تکلیف از دیگران ساقط می‌شود.

برای وجوب تحصیل علم شریعت و ملکه اجتهاد، به آیاتی از قرآن استدلال شده است. خداوند می‌فرماید: **فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ** (توبه: ۹) چرا از هر گروهی از مؤمنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کنند، تا از دین، معارف و احکام اسلام آگاهی یابند و هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند؟! شاید از مخالفت فرمان پروردگار بترسند، و خودداری کنند، کلمه «لولا» برای تخصیض و تحریک است و از آن لزوم و وجوب مهاجرت برای تحصیل علم، استفاده می‌شود. از تعبیر (مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ) نیز کفایی بودن این وجوب فهمیده می‌شود. عقل نیز به وجوب کفایی حکم می‌کند، زیرا اگر همه مردم در همه امور، احتیاط را شیوه کار خویش قرار دهند یا به دنبال استدلال‌های فقهی احکام بروند، نظام زندگی از هم می‌پاشد، از این رو، عقل، وجوب تحصیل فقه و اجتهاد را برای تحقق امثال احکام الهی، بر برخی از مردم لازم دیده است.

نمونه‌هایی از اجتهادهای پیامبر اسلام

همان‌گونه که گفته شد، پیامبر(ص) پیرامون برخی از قضایا دست به اجتهاد زده است، از جمله می‌توان برخی از اجتهادات آن حضرت را به قرار ذیل نام برد: در غزوه بدر، یک تعداد از مشرکان به دست مسلمانان

اسیر شدند و راجع به حکم اسیران هیچ گونه وحی نازل نشده بود. پیامبر(ص) در مورد سرنوشت آنها با حضرت ابوبکر صدیق و حضرت عمر به مشورت پرداخت. حضرت ابوبکر راجع به رهائی اسیران در بدل فدیه رأی داد؛ ولی رأی حضرت عمر پیرامون اسیران مخالف رأی حضرت ابوبکر صدیق بود. پیامبر(ص) رأی حضرت ابوبکر را ترجیح داد و اسیران بدر را در بدل دریافت فدیه رها کرد. چون پیامبر(ص) در این اجتهاد خود به حق متصل نشده بود، خداوند (ج) به طور عتاب آمیز، آیاتی را نازل کرد و پیامبر(ص) را در اجتهادش نکوهش نمود: «مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَى حَتَّى يَتَّخِذَ فِي الْأَرْضِ تَرْيُدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا... لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَكُمُ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (سورة انفال، آیه: ۷۶) (سزاوار نبود برای پیامبر که به دست وی اسیرانی باشند که از ایشان فدیه بگیرند و آزاد کند تا آنکه آنان قوی شود... اگر نبودی حکم ازل از جانب الله که قبلاً در لوح محفوظ نوشته شده هر آینه می رسید به شما در عوض آن فدیه که گرفتید عذاب بزرگ). این آیه چنانکه بیان شد، درباره جنگ بدر نازل شده، نهی از گرفتن فدیه در برابر آزادی اسیران است و در واقع آیه، فدیه گرفتن در برابر آزادی اسیران را برخلاف رضای خداوند دانسته است؛ به همین جهت در ادامه آیه مسلمانان را سرزنش کرده است. به هر صورت رسول خدا در این امر به اجتهاد خود عمل کرده و خطا در اجتهاد، کیفر ندارد. (المنار، ج ۱۰، ص ۹۴)

۱. در غزوه تبوک، یک تعداد منافقان نزد پیامبر(ص) آمدند و مبنی بر این که آنها نسبت عذری که دارند در غزوه اشتراک کرده نمی توانند. پیامبر(ص) حرف های آنها را قبول نموده و به آنها اجازه داد تا در غزوه تبوک اشتراک نکنند؛ چون در این مورد اجتهاد پیامبر نیز مطابق واقع نبود بناءً برای توجیه کار آن حضرت (ص) آیاتی نازل شد؛ طوری که خداوند (ج) می فرماید: عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّى يَتَّبِعَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ تَعَلَّمَ

الْكَاذِبِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلَيْهِمُ بِالْمُتَّقِينَ (سوره التوبه، آیه ۴۵) عفو کرد خدا از تو، چرا رخصت دادی ایشان را (که بمانند و چرا نگذاشتی که با تو می رفتند) تا این که آشکار می شد برای تو آنانی که راست گفتند و می دانستی دروغگویان را. کسانی که به خداوند و روز آخرت بازپسین ایمان دارند در جهاد با مال و جانشان از تو عذر و اجازه نمی خواهند و خداوند به (حال) تقوا پیشگان داناست. تنها کسانی از تو اجازه می خواهند (به جهاد نروند) که به خداوند و روز بازپسین ایمان ندارند و دل هایشان به شک افتاده و در شک خود سرگردانند.

۲. در غزوه بدر، قبل از جنگ در مورد تعیین مکان برای مسلمانان پیامبر(ص) اجتهاد نمود و بر اساس این اجتهاد پیامبر و یارانش در منطقه ای از بدر استقرار یافتند، حباب بن منذر به رسول الله گفت: آیا این مکانی است که الله تعالی تو را دستور داده است و آن را تغییر نمی دهی؟ یا بر اساس نظر خود و پلان جنگی و فریب دشمن در اینجا استقرار یافته ای؟ رسول الله (ص) فرمود: بر اساس نظر خود و پلان جنگی و فریب دشمن اینجارا اختیار نموده ام. حباب مشوره داد که در جای دیگر بروند و رسول الله با رأی وی موافقت نمود. همین موضوع سبب پیروزی مسلمانان بر کفار قریش گردید.

۳. در غزوه خیبر، هنگامی که پیامبر اصحاب خود را دیدند که زیر دیگ ها آتش روشن نموده اند. از آنان پرسید چرا آتش روشن نموده اید؟ گفتند: برای گوشت خراهای اهلی، رسول الله (ص) گفتند: بیرون بریزید آنچه در آن ها هست و بشکنید دیگ ها را. مردی از جماعت برخاست و گفت آیا بیرون بریزیم آنچه در آن است و دیگ ها را بشوئیم؟ رسول الله فرمود: آری همان کار را انجام دهید. دیده می شود، در قدم اول رسول الله به جهت قطعی بودن مسئله و منع صحابه از خوردن گوشت خران اهلی به شدت برخورد نمودند، اما هنگامی که صحابه تسلیم

حکم رسول الله گردیدند، این آگاهی را به رسول الله دادند که شکستادن دیگرها به مصلحتشان نبوده و بر مشکلات آنان می‌افزاید رسول الله دو باره بر ایشان اجازه شستن و استفاده از دیگرها را دادند.

حکمت اجتهاد پیامبر و اجازه اجتهاد به صحابه

دلیل و حکمت اجتهاد آن حضرت و اجازه اجتهاد به صحابه آن بود که شریعت اسلامی، خاتمه بخش تمامی شرایع آسمانی گذشته است. این دین، دین تمامی مردم تا روز قیامت می‌باشد. قواعد و نصوص دین به صورت کلی آمده و به تفصیلات و جزئیات آن پرداخته است، حوادث زمان، حد معینی نداشته و بسیار زیاد می‌باشد، و هر چند وقتی اتفاق و رویدادی تازه اتفاق می‌افتد، هر زمانی برای خود حوادثی دارد که زمان قبل آن را نداشته و مردم آن زمان، آن را نشناخته و درک نمی‌کرده‌اند. پس هنگامی که دیده می‌شود مسائل این‌گونه است، پیامبر خواست تا به آنان روش استنباط و استخراج احکام را نشان دهد، زیرا این موضوع در حقیقت معنای این فرموده الله تعالی است: **مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ** (سوره انعام، آیه: ۳۸) یعنی ما هیچ چیزی را در این کتاب فروگذار نکردیم. این موضوع در توان فهم پیامبر اکرم بوده است.

به این ترتیب رسول الله با اجتهادش و اجازه اجتهاد به اصحاب برای بعد از خود نمونه و الگویی تعیین نمود و راهی را

برای‌شان نشان داد تا بعد از آن حضرت، آنان نیز چنین نمایند و فقه اسلامی با تمامی تفصیلات خود باگذشت زمان و پیشرفت ملت‌ها همچنان قوی و نیرومند باقی بماند. بر این اساس آن حضرت در بسیاری از گفته‌هایشان در قضایایی که رخ می‌داد احکام را با توجه و مقارنه آن با علت‌ها و بیان اسرار آن توضیح و تشریح می‌نمود. بنابراینچه گذشت، فقه اسلامی در عهد نبوی مصدری جز از کتاب الله و سنت رسول الله نداشت و هرآنچه از راه اجتهاد ثابت می‌گردید احیاناً استنباط‌هایی بود از کتاب الله که به وحی راجع می‌شد.

نقش صحابه در گسترش اجتهاد

با رحلت پیامبر اکرم، نزول وحی نیز پایان پذیرفت و اداره حکومت اسلامی به دست صحابه افتاد و ناگزیر می‌بایست برای مسائل مستحدثه و مشکلات جدیده پاسخی می‌یافتند. روش جاری و شیوه معمول خلفا و عموم صحابه آن بود که نخست اگر جواب مسئله را از کتاب خدا و سنت می‌یافتند به آن عمل می‌کردند و در غیر این صورت گاهی به مشورت با دیگر صحابه می‌پرداختند، یا بر پایه تشخیص مصلحت و یا با اتکا بر نظر شخصی خویش استناد می‌کردند و فتوا می‌دادند. در این دوره اجتهاد به رأی، راهی برای یافتن حکم در موارد فقدان نص به قدری رواج گرفت و معمول شد که گاه اجتهاد در برابر نص نیز صورت می‌پذیرفت و موجه شناخته می‌شد. عمل صحابیان به

“

اسلام مکتب جامع و منطبق با سرشت آدمی است که در همه عصرها و نسل‌ها قدرت پاسخ‌گویی به نیازهای انسان را دارد. آموزه‌های اسلامی در سه بُعد: عقاید، اخلاق، و احکام خلاصه می‌شود. این تعالیم هرکدام در حوزه خود نیازهای انسان را تأمین و هدایت او را تضمین می‌کنند.

قیاس رأی در مقام اجتهاد استنباط احکام شرعی، در قضایای متعددی به ثبوت رسیده است. با وجود این، در میان صحابه کسانی بودند که به شدت از اجتهاد به رأی و اظهار نظر شخصی در احکام شرعی پرهیز داشته‌اند و جز در چارچوب کتاب و سنت اجتهاد نمی‌کردند. در این دوره، هر چند به سبب نزدیکی و سهولت دستیابی به دو منبع اصیل تشریح اسلامی، پراکندگی آراء زیاد به چشم نمی‌خورد، در عین حال، ماحصل اجتهادات صحابه در بسیاری موارد، مختلف بود و با یکدیگر سازگاری نداشت، اما نه تنها این اختلافات هیچ‌گاه تقبیح نشد و به اصطلاح محکوم نگردید، بلکه بر عکس، بعدها این اختلافات علمای امت، با رقه‌هایی از رحمت الهی تلقی گردید و گفته شد اختلاف امتی رحمه.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. مدیر شانه چی، کاظم (۱۳۹۱ ش)، تاریخ فقه مذاهب اسلامی، انتشارات بوستان کتاب.
۳. بخاری، أبو عبدالله بن إسماعیل (۱۴۲۲ هـ ق)، صحیح البخاری، بیروت: دار ابن کثیر.
۴. دیپارتمنت ثقافت اسلامی (۱۳۹۵ ش)، نظام اقتصادی

- اسلام، هرات: انتشارات قدس، چاپ هفتم.
۵. زحیلی، وهبه (۱۳۵۱ ش) فقه الاسلامی و ادلته، دمشق: دارالفکر.
 ۶. سالم، داکتر عبدالعزیز (۱۳۸۰ ش)، تاریخ عرب قبل از اسلام، مترجم باقرصدری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۷. مبارکپوری، مولانا صفی الرحمن (۱۳۸۲ ش)، مترجم: عبدالله خاموش هروی، سیره النبی «ترجمه فارسی الرحیق المختوم» چاپ اول، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
 ۸. السایس، محمدعلی، بهار سال (۱۳۹۳ ش)، مترجم: نصیر احمد ایوبی. تاریخ تشریح اسلامی.
 ۹. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۳ ش)، منطق، ترجمه علی شیروانی، قم: انتشارات دارالعلم، طبع دهم.
 ۱۰. معتصم، امین الله سال (۱۳۹۰ ش)، فلسفه عبادات، هرات: انتشارات و امق، چاپ اول.
 ۱۱. نذیر، داد محمد، خزان سال (۱۳۸۹ ش)، هرات: اساسات حقوق اسلام. چاپ سوم.
 ۱۲. نذیر، داد محمد، سال (۱۳۸۹ ش)، طرق اثبات نبوت حضرت محمد ص کابل: مطبعه نعمانی.
 ۱۳. نیشاپوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم. (ریاض: دارالسلام، طبع دوم، ۲۰۰۰ م).
 ۱۴. وزارت عدلیه، (۱۳۸۲ ش)، قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، کابل: طبع دوم.

قتل عمد و مجازات آن از دیدگاه فقه و قانون

اسماء احمدی

فارغ التحصیل رشته شرعیات پوهنتون جامی

مقدمه

از آغاز جوامع بشری تاکنون پیوسته جرایمی صورت می‌گیرد که با مرور زمان همواره رو به انکشاف است. از آنجایی که قتل از جمله جرایم علیه تمامیت جسمانی بشر به شمار می‌رود و بر علیه جسم و جانشان ارتکاب می‌گردد و حیات انسان را سلب می‌کند، حیاتی که حق هر انسان است و یک انسان حق ندارد جان و نفس انسان دیگری را به لحاظ آموزه‌های دینی و انسانی بگیرد. طبیعتاً برای تمام جرایم، من جمله قتل که انسان را از ادامه حیات

محروم می‌کند، از لحاظ شرعی در کشورهای اسلامی و در تمام کشورها به اساس قوانین نافذ آن‌ها مجازات سنگینی برای مرتکبان این جرم و سایر جرایم در نظر گرفته شده است. چراکه قتل انسان را از بزرگترین نعمت خداوند (ج) یعنی حیات، دور ساخته و صدمه ناشی از آن قابل جبران نمی‌باشد و آثار منفی روی خانواده و حتی تمام اعضای جامعه به جا می‌گذارد. در این تحقیق به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد که قتل به چند نوع تقسیم می‌شود؟ قتل عمد در فقه و قانون چگونه بیان شده است؟

چه مجازاتی برای قاتل قتل عمد در نظر گرفته‌اند؟ اولیای دم در قتل عمد چه اختیاراتی دارند؟

قتل عمد و انواع آن

قتل عملی است که نفس یک انسان به واسطه انسان دیگر گرفته می‌شود و به اساس شریعت اسلام حرام دانسته شده و مرتکب آن مستحق مجازات است. برای تعریف و مصداق قتل در مذاهب چهارگانه، گونه‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است. در این زمینه میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. فقهاء حنفی می‌گویند که قتل پنج نوع است: قتل عمد، قتل شبه‌عمد، قتل خطاء، قتل جاری مجرای خطاء و قتل بالتسبیب.

قتل عمد عبارت است از اینکه شخصی به طور عمدی شخص دیگری را با استفاده از استعمال اسلحه، مانند شمشیر، کارد، گلوله و کمان، یا قایم مقام آن از قبیل چوب تیز، آتش و سوزن به قتل برساند. قتل شبه‌عمدی از نظر امام ابوحنیفه عبارت است از اینکه شخصی با استفاده از استعمال آنچه که نه اسلحه و نه قایم مقام اسلحه است؛ مانند عصا، سنگ بزرگ و چوب بزرگ به طور عمدی شخص دیگری را به قتل برساند؛ ولی از نظر امام ابو یوسف و امام محمد، قتل شبه‌عمدی عبارت است از اینکه شخصی شخص دیگری را با استفاده از آنچه که غالباً به قتل نمی‌رساند باشد، مانند عصا، سنگ و چوب خرد، تازیانه و امثال آن به قتل

برساند، اما اگر انسانی انسان دیگری را توسط سنگ و چوب بزرگ، یا به وسیله انداختن از مکان مرتفع به قتل برساند، قتل عمدی خواهد بود. پس اگر قتل به واسطه چیزی باشد که غالباً به قتل نمی‌رساند باشد، به اتفاق همه ائمه حنفی قتل شبه‌عمدی خواهد بود و اگر با سنگ و چوب بزرگ و یا با انداختن از مکان مرتفع باشد، از نظر امام ابوحنیفه قتل شبه‌عمدی و از نظر امام ابو یوسف و امام محمد قتل عمدی خواهد بود.

قتل خطاء عبارت است از اینکه شخصی شخص دیگری را بدون قصد به قتل برساند. قتل خطاء به دو نوع تقسیم می‌گردد:

الف. خطاء در قصد. مانند کسی که انسانی را به گمان اینکه شکاری است هدف قرار می‌دهد، سپس معلوم می‌شود که وی شکار نبوده بلکه انسان بوده است. ب. خطاء در خود فعل. مانند کسی که شکاری را هدف قرار می‌دهد، ناگهان به انسان دیگری اصابت می‌کند.

قتل جاری مجری خطاء عبارت است از اینکه شخصی شخص دیگری را در اثر منقلب شدن در حالت خواب به قتل می‌رساند.

قتل بالتسبیب، مانند کسی است که در غیر ملک خود یا در راه عمومی حفره یا چاهی را حفر می‌کند، و انسان دیگری در آن می‌افتد و می‌میرد. در مجموع فقهاء پیرامون برخی از حالات قتل عمدی، مانند قتل به وسیله اسلحه و همچنان در

“

قتل عمد عبارت است

از اینکه شخصی به

طور عمدی شخص

دیگری را با استفاده از

استعمال اسلحه، مانند

شمشیر، کارد، گلوله و

کمان، یا قایم مقام آن

از قبیل چوب تیز،

آتش و سوزن به قتل

برساند.

مورد حالت قتل خطاء اتفاق نظر دارند، ولی در حالات قتل شبه عمدی، قتل جاری مجری خطاء و قتل بالتسبیب اختلاف کرده و نظریات مختلفی ارائه داشته‌اند. قانون جزای افغانستان با پیروی از فقه حنفی قتل را به سه دسته تقسیم می‌کند: قتل عمدی، قتل شبه عمدی و قتل خطاء. (قانون جزای افغانستان، ۱۳۵۵: مواد ۳۹۴-۴۰۰)؛ به اساس ماده ۳۹۴-۳۹۸ قانون جزای افغانستان که در قسمت قتل عمد تعریف خاصی ارائه ننموده و به بیان حالات آن پرداخته است. در ماده ۳۹۹ به معرفی قتل شبه عمد پرداخته است. همچنین در ضمن ماده ۴۰۰، به قتل خطاء اشاره نموده که در برگیرنده تمام انواع قتل خطاء می‌باشد (قتل خطاء، قتل جاری مجری خطاء و قتل بالتسبیب).

حرمت جرم قتل در اسلام

اسلام هر نوع تعدی و تجاوز بر تمامیت جسمی انسان بی‌گناه را حرام قرار داده و آن را از بزرگترین گناهان کبیره و یکی از بزرگترین جرایم به حساب آورده است. در خصوص حرمت قتل و عظمت گناه و نیز مجازات آن، آیات و روایات متعددی در قرآن و سنت وجود دارد و به اساس اجماع اهل علم هم حرام قرار داده شده است. (سلیم، ۱۳۹۴: ۳۰-۳۲) معروفترین آیه در این باب سوره اسراء آیه ۳۳ است که می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلْيَسْرِ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»

(و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده مکشید، مگر آنکه به حکم حق، مستحق قتل شود و کسی که خون مظلومی را به ناحق ریزد ما بر ولی مقتول تسلط بر قاتل دادیم. پس در مقام انتقام، آن ولی در قتل و خون ریزی اسراف نکند که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود). قتل عمد از منظر قانون

از منظر قانون، اراده و قصد اولین نقش در تعیین نوعیت تجاوز بر نفس بشری دارد. اگر جانی به قصد کشتن، مجنی علیه را مورد ضرب و جرح قرار دهد و مجنی علیه فوت کند، قتل عمد محسوب می‌شود. قانون جزاء ماده (۳۴) می‌گوید: «قصد جرمی عبارت است از سوق اراده فاعل به ارتکاب فعلی که جرم را به وجود می‌آورد به نحوی که منجر به وقوع نتیجه جرم مورد نظر و یا وقوع نتیجه جرم دیگری شود. قصد گاهی بسیط و زمانی توأم به اصرار قبلی می‌باشد...»



از منظر قانون، اراده و قصد اولین نقش در تعیین نوعیت تجاوز بر نفس بشری دارد. اگر جانی به قصد کشتن، مجنی علیه را مورد ضرب و جرح قرار دهد و مجنی علیه فوت کند، قتل عمد محسوب می‌شود.

قانونگذار در قانون جزاء بدون آنکه قتل عمدی را تعریف نموده باشد در ماده (۳۵) صرفاً به بیان مجازات و موارد قتل عمدی پرداخته است:

۱. جرم وقتی عمدی شمرده می‌شود که قصد جرمی نزد مرتکب محقق شده باشد.
۲. جرم در حالات آتی نیز عمدی شمرده می‌شود:

«الف. در حالتی که شخص به موجب قانون یا موافقت به انجام وظیفه مکلفیت داشته باشد و از ایفای آن عمداً امتناع ورزد به نحوی که امتناع وی، مستقیماً منجر به

وقوع جرم گردد.

ب. در حالتی که شخص فاعل نتایج جرمی عمل خود را قبلاً پیش نموده باشد؛ ولی با آن هم به اجرای عمل مذکور محض جهت وقوع جرم اقدام نموده باشد.

می‌توان با مطالعه نظریات فقهاء و تحلیل حقوقدانان، قتل عمدی را به شرح زیر تعریف نمود: قتل عمدی عبارت است از: «سلب عمدی حیات از دیگری» یعنی گرفتن جان انسانی با فعل انسان دیگری. (سلیم، ۱۳۹۴: ۳۹)

مجازات های اصلی قتل عمد

مطابق قانون جزاء مجازات اصلی قتل، اعدام، حبس دوام، حبس طویل، حبس قصیر و جریمه نقدی است. و اما از نگاه فقه مجازات قتل قصاص می‌باشد. فقهاء بر این امر اتفاق نظر دارند که قصاص مجازات اصلی قتل عمد می‌باشد، و دیت و تعزیر، مجازات بدلی قتل عمد می‌باشد. همچنین بر این امر اتفاق نظر دارند که در آخرت گناه کار می‌باشد و مستحق مجازات اخروی می‌گردد، پس مجازات قتل عمد، غیر از مجازات اخروی، عبارتند از:

۱. قصاص، ۲. دیه، ۳. تعزیر.

الف. قصاص

در اصطلاح عبارت است از اینکه جانی را به مانند جنایت ارتكابی مجازات کنند اگر کشته است بکشند و اگر زخم زده

است زخم بزنند. پس قصاص را از آن جهت قصاص می‌گویند که قصاص کننده، اثر جناتکار را پیروی می‌کند و کاری مانند کار او را انجام می‌دهد. (نذیر، ۱۳۹۰: ۶۰) قصاص به عنوان مجازات اصلی در جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص در آیات مختلف قرآن به طور صریح و غیر صریح مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۳۶)

ب: دیه

دیه که در فارسی به آن خون بها گویند، در فقه اسلامی عبارت از مالی است که به عنوان بدل نفس یا اطراف در جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص به قربانی یا اولیای دم پرداخت می‌شود و بدین ترتیب درکنار قصاص یکی دیگر از شیوه‌های مقابله با جنایات و جبران آنها می‌باشد از این رو در تقسیم‌بندی مطالب کتب فقهی معمولاً پس از «کتاب القصاص»، «کتاب الدیات» آمده است زیرا قصاص و دیه هر دو به جنایات مربوط می‌شوند. (صادقی، ۱۳۸۹: ص ۱۹۵)

به نظر ائمه ثلاثه مالکی، شافعی و احمد پرداخت دیه قتل عمد در حال (فوری) است و نباید به تأخیر بیافتد، مگر آنکه ولی دم به این امر رضایت بدهد؛ بنابراین توقیف آن منوط به توافق صاحب خون خواهد بود. استدلال این بزرگواران چنین است که دیه در قتل عمد جانشین قصاص است و چون قصاص در حال است باید

“

مطابق قانون جزاء مجازات اصلی قتل، اعدام، حبس دوام، حبس طویل، حبس قصیر و جریمه نقدی است. و اما از نگاه فقه مجازات قتل قصاص می‌باشد. فقهاء بر این امر اتفاق نظر دارند که قصاص مجازات اصلی قتل عمد می‌باشد، و دیت و تعزیر، مجازات بدلی قتل عمد می‌باشد.

بدل آن نیز غیر مؤجل باشد، دیگر آن که توقیت در دیه نوع تخفیف به حساب می‌آید و قاتل عمد استحقاق این تخفیف را ندارد. (سلیم، ۱۳۹۴: ۹۰)

در قسمت مقدار دیه فقها اختلاف نظر دارند:

۱. از نظر امام ابو حنیفه، امام مالک و امام شافعی در مذهب قدیمش، پرداخت دیت از یکی از چیزهای سه گانه ذیل واجب می‌باشد که عبارت‌اند از: شتر، طلا و نقره. پیامبر (ص) می‌فرماید: مقتول خطاء و شبه عمد که با تازیانه یا عصا کشته شود دیت آن صد شتر است که چهل رأس آن حامله باشد و همچنان حضرت عمر دیت نفس را از طلا یک هزار دینار و از نقره ده هزار درهم مقرر کرده است.

۲. از نظر امام احمد و صاحبین از فقهای حنفی پرداخت دیت از یکی از چیزهای ششگانه ذیل واجب می‌باشد که عبارت‌اند از: شتر، طلا، نقره، گاو، گوسفند و لباس و دلیل آن‌ها این است که حضرت عمر طی خطبه‌ای گفت: قیمت شتر بلند رفته است. راوی می‌گوید: پس بر کسانی که دینار داشتند هزار دینار و بر کسانی که نقره داشتند ده هزار درهم، و بر کسانی که گاو داشتند دو صد رأس گاو و بر کسانی که گوسفند داشتند دو هزار رأس گوسفند و بر کسانی که لباس داشتند دو صد جوهره (دسته) لباس را تعیین کرد.

۳. اما شافعی در مذهب جدیدش می‌گوید، اگر شتر موجود باشد قاتل باید صد شتری را که خالی از عیب باشند، برای ولی مقتول تسلیم دهد و در غیر آن قیمت همان صد شتر را از پول رایج کشور مطبوع اش می‌پردازد. اما مقدار دیت از احادیث فوق دانسته می‌شود و فقها پیرامون آن اختلاف نکرده‌اند. (نذیر، ۱۳۹۰: ۲۶۶-۲۶۷)

ج: تعزیر

هر گاه در قتل عمدی قصاص ساقط گردد، علاوه بر اینکه قاتل دیت را می‌پردازد مورد مجازات تعزیری نیز قرار

می‌گیرد؛ اما اینکه آیا عقوبت تعزیری واجب است یا جایز؟ فقهای مالکی می‌گویند عقوبت تعزیری بر قاتل عمدی در صورت سقوط قصاص واجب است و آن صد تازیانه و یکسال حبس می‌باشد، ولی از نظر جمهور فقهاء عقوبت تعزیری واجب نبوده؛ بلکه مربوط می‌شود به رئیس دولت پس او مطابق به مصلحت جامعه جزای مناسبی را بر جانی تعیین می‌کند. قانون جزای کشور در ارتباط به این که اسباب ساقط کننده قصاص موجود باشد و یا شروط آن متوافر نباشد با تأسی از احکام فقه حنفی چنین می‌گوید: «هرگاه در قتل عمدی قصاص به یکی از اسباب مسقطه یا عدم توافر شرایط ساقط یا متعذر گردد، مرتکب حسب احوال مطابق به احکام این قانون تعزیراً مجازات می‌گردد». (نذیر، ۱۳۹۰: ص ۲۶۸)

مجازات بدلی قتل عمد

منظور از مجازات بدلی همان دیت است که در فوق متذکر شدیم. منظور از مجازات بدلی قتل عمد دیت (خون بها) است زیرا دیت بدل از قصاص می‌باشد. اصل اساسی در وجوب دیت، کتاب، سنت و اجماع امت اسلامی است. چنانچه خداوند (ج) می‌فرماید: هر کسی که مؤمنی را به اشتباه کشت باید به خانواده او خون بهاء پرداخت کند، مگر این که خانواده مقتول گذشت کند. در روایت آمده است که رسول الله برای عمرو بن حزم نوشته بود که: در قتل نفس صد شتر است. و اهل علم نیز به وجوب دیت در مجموع اجماع نمودند. (عثمانی، ۱۳۹۵: ص ۳۵)

مجازات تبعی قتل عمد

مجازات تبعی قتل عمد دو چیز است: اول محرومیت از ارث دوم محرومیت از وصیت. (سلیم، ۱۳۹۴: صص ۹۴-۹۲)

محرومیت از ارث

مستند و دلیل اصلی حرمان قاتل از ارث سخن پیامبر(ص) است که می‌فرماید: قاتل از مقتول ارث نمی‌برد و پس از ارتکاب قتل چیزی از ماترک به قاتل نمی‌رسد. فقهاء در تعیین مصداق این نص اختلاف زیادی دارند به حدی که هیچ یک از مذاهب اربعه در این مسئله اتفاق نظر ندارند. به عقیده امام مالک قتلی که سبب حرمان قاتل از ماترک می‌شود قتل عمد است و تفاوت نمی‌کند که بالمباشره صورت گیرد و یا به سببیت، تفاوتی نمی‌کند که قاتل قصاص شود و یا به لحاظ وجود مانع قصاص ساقط گردد. می‌دانیم که به عقیده امام مالک قتل عمد شامل قتل شبه عمد هم است زیرا وی فقط به وجود دو نوع قتل که عبارتند از عمدی و خطایی اذعان دارد. در صورتی که قاتل به خطا مرتکب قتل گردیده باشد، به نظر امام مالک از ارث محروم نمی‌شود فقط نمی‌تواند که از خون بهای که می‌پردازد به نام ماترک سهم خود را بردارد. اگر قتل عامداً ولی مشروع باشد قاتل از ارث بی بهره نمی‌ماند، مانند دفاع مشروع، بنابراین کسی که در حال دفاع مشروع فرزندش را می‌کشد یا حاکمی که به فرزند خود قصاص و یا حد جاری می‌کند از ارث محروم نمی‌شود به نظر امام ابوحنیفه قتل عمد و شبه عمد و خطا و در حکم خطا وجود شرایط ذیل باعث حرمان قاتل از ارث می‌شود:

۱. قتل بالمباشره صورت گرفته باشد، بنابراین چنانچه قتل ناشی از تسبیب بوده و حتی اگر عمدی هم باشد سبب محرومیت از ارث نخواهد شد.

۲. قاتل بالغ و عاقل باشد. صغیر و مجنون از ارث محروم نمی‌شوند.

۳. قتل در عمد و شبه عمد بنابر عداوت و ناحق صورت بگیرد. وگرنه مثلاً در دفاع مشروع قاتل از ارث محروم نمی‌گردد.

محرومیت از وصیت

دلیل و مستند حرمان قاتل از این که موصی له قرار گیرد قول پیامبر(ص) است که می‌فرماید: برای قاتل وصیت نیست و چیزی برای قاتل وجود ندارد. فقها در تفسیر و تعیین مصداق نصوص یاد شده اختلاف نظر دارند.

در مذهب مالک مانند موضوع حرمان از میراث میان قتل عمد و خطا تفاوت می‌گذارند و متفقاً عقیده دارند که قتل خطایی موجب محروم شدن قاتل از وصیت نمی‌شود، بنابراین این صحیح است که قاتل موصی له به مال قرار بگیرد هرچند مقتول مطلع نباشد که قاتلش اوست، لیکن اگر با علم بر این که وی قاتل است به نفع او وصیت کند این وصیت در موصی به و نیز در دیه نافذ تلقی می‌شود.

ولی اگر قتل در اثر تسبیب رخ داده و یا قاتل صغیر و مجنون باشد و یا قتل عمد و شبه عمد قانونی و مشروع باشد قاتل از وصیت محروم نمی‌شود. در مذهب شافعی و احمد دو نظریه ابراز گردیده است بنا بر رأی دسته اول وصیت برای قاتل صحیح نیست این دسته به دو گروه تقسیم می‌شوند گروه را عقیده بر این است که اگر هم وارث وصیت را تنفیذ کند صحیح و نافذ تلقی نخواهد شد زیرا چیزی که سبب عدم صحت وصیت تلقی می‌شود ارتکاب قتل است و نه مصلحت وراثت بنابر این اجازه وراثت در ماهیت هبه است که برای لازم الاجرا شدن باید شروطش را دارا باشد که ندارد. گروه دوم این دسته در صورت اجازه ورثه وصیت را لازم الاجرا می‌دانند به عقیده دسته دوم وصیت به نفع قاتل در هر حال معتبر است و برای لازم الاجرا شدن به اجازه وراثت احتیاج ندارد.

مجازات قتل عمد در قانون جزای افغانستان

در خصوص مجازات قتل عمد دو نوع قوانین در محاکم ما حکم فرماست، قواعد فقهی و قوانین وضعی، طبق ماده اول قانون جزاء که فقه را منبع تعیین جرایم حدود، قصاص و دیه معرفی کرده است و علت وجودی این دو منبع در خصوص

یک جرم (قتل عمد) نگاه دو بعدی به این پدیده می‌باشد، زیرا قتل یا تمام معیارهای فقهی را با خود دارد در نتیجه فاعل آن به قصاص محکوم می‌گردد و این در صورتی است که تمام شروط عمدی بودن ثابت شده و در نتیجه بر اساس فقه اسلامی قاتل عمد محکوم به قصاص می‌گردد. ولی هرگاه در قتل عمد قصاص به یکی از اسباب مسقطه یا عدم توافر شرایط ساقط و متعذر گردد. مرتکب حسب احوال مطابق به احکام قانون جزاء مواد (۳۹۷، ۳۹۶، ۳۹۵ و ۳۹۸) تعزیراً مجازات خواهد شد.

اختیارات اولیای دم در قتل عمد از منظر فقه

امام قدوری (رح) فرموده است، هرگاه اولیاء قاتل و مقتول با هم مصالحت نمایند بر پرداخت مال اتفاق نمایند در این صورت قصاص ساقط و مال واجب می‌شود خواه آن مال کم باشد یا زیاد.

خداوند (ج) در سوره البقره آیه ۱۷۸ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْبُ بِالْحَرْبِ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنثِيَا بِالْأُنثِيَةِ مَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَدَاءِ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (قانون) قصاص در مورد کشتگان، بر شما (چنین) مقرر گردیده است: آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن، پس اگر کسی از ناحیه برادر (دینی) خود

(یعنی صاحب خون و ولی مقتول) مورد عفو قرار گیرد. (یا قصاص او به خونبها تبدیل شود) باید شیوه‌های پسندیده پیش گیرد و به نیکی (دیّه را به ولی مقتول) بپردازد، این حکم تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگارتان، پس برای کسی که بعد از این (از حکم خدا) تجاوز کند، عذاب درناکی دارد).

طبق قولی که گفته شده است که این آیه درباره صلح است. رضایت قاتل گرفتن عین صلح است، زیرا قصاص آن حق ثابت وارث است که در آن اسقاط به طریق معافی جاری شده می‌تواند، همچنان به طریق عوض گرفتن نیز اسقاط جاری می‌شود. ازوجه اشمال احسان اولیاء بر گرفتن عوض و بر احیاء قاتل پس گرفتن عوض به رضایت قاتل جایز است. ثبوت صلح از حدیث شریف نیز به دست می‌آید که پیامبر فرمود: کسی که ولی وی قتل کرده باشد برای او اختیار است اگر می‌خواهد وی را عفو کند و اگر می‌خواهد وی را قصاص کند، و معاف نمودن در مقابل مال هم عفو است.

قصاص حق اولیاء است از این وجه آنان را حق معاف نمودن بلاعوض است و یا کدام عوض بگیرند و معاف نمایند، باز در گرفتن عوض فایده هر دو (وارث‌های قاتل و مقتول) است، و آن اینکه از جانب آنان بر قاتل احسان شده است. و فایده قاتل این است که نفس وی نجات یافت پس رضایت هر دوی آنان حتمی است. (سکر دوی، ب. ت: صص ۶۹-۷۱)



قتل عمد عبارت است از اینکه شخصی به طور عمدی شخص دیگری را با استفاده از استعمال اسلحه، مانند شمشیر، کارد، گلوله و کمان، یا قایم مقام آن از قبیل چوب تیز، آتش و سوزن به قتل برساند.

نتیجه

از مباحثی که در موضوع اختیارات اولیای دم در قتل عمد از دیدگاه فقه مطرح گردید به این نتیجه می‌رسیم که قتل عمد یکی از انواع قتل بوده، با آنکه فقهاء اربعه در این قسمت اختلاف نظر دارند با آنهم تمامی آنان در قدم نخست به قتل عمد اشاره نموده‌اند که در جزئیات اختلاف نظرات مشاهده می‌گردد.

قتل عمد عبارت از قتلی است که شخصی به طور عمدی شخص دیگری را با استفاده از استعمال اسلحه مانند: شمشیر، کارد، گلوله و کمان یا قایم مقام آن به قتل برساند، و از آنجایی که قتل از جمله قتل عمد تجاوز بر نفس دیگری بوده و ضربه جبران ناپذیری برای خانواده مقتول به بار می‌آورد، حق حیات را که از جمله بزرگترین نعمت‌های خداوند است از فرد گرفته و پیامدهای ناگواری را در جامعه به دنبال دارد.

بر همین اساس است که شریعت اسلام و قوانین موضوعه مجازات سنگینی را برای قتل عمد در نظر گرفته‌اند که می‌توان از قصاص، انواع حبس، دیت و محروم شدن از برخی موارد به سان میراث، وصیت و فعالیت‌های اجتماعی نامبرد، بناءً هم از لحاظ شرعی و قانونی قتل منع و تحریم گردیده و هم از نظر قرآن مرتکب آن مستوجب مجازات اخروی می‌گردد: *وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمَدًا فَعَجَزَآؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَ عَذِيبُ اللّٰهِ عَلَيْهِ ..*

اولیاء ورثه مقتول می‌باشند که از لحاظ شرعی به اساس دین مبین اسلام یک سلسله اختیارات در اختیارشان قرار داده شده است که می‌توانند از آنان استفاده نمایند، از جمله حق قصاص که طی آیات و احادیث شریفه ذکر گردید، خداوند (ج) می‌فرماید: (یا ایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی) (البقره آیه ۱۷۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید در باره کشتگان بر شما حق قصاص مقرر شده است. و همچنان پیامبر (ص) می‌فرماید:

«العمد قود إلا أن یعفو ولی المقتول» قتل عمدی موجب قصاص است مگر آنکه ولی مقتول عفو کند. اولیاء دم اختیار دارند که فرد جانی را در مقابل قتلی که مرتکب گردیده است قصاص نمایند یا به جای قصاص از فرد قاتل دیت گرفته و از قصاص بگذرند، همچنان اولیاء دم اختیار دارند که در مقابل قصاص با فرد جانی صلح نموده و یا آن را طبق فرموده پیامبر (ص) عفو نمایند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. سلیم، عبدالرحمن (۱۳۹۴)، حقوق جزای اختصاصی، چاپ دوم، هرات: نشر وامق.
۳. صابونی، علامه محمد علی (۱۳۸۲)، امین غلام علی، زیبایی‌های بیان در تفسیر آیات احکام قرآن، کابل: نشر نعمانی.
۴. عوده، عبدالقادر (۱۳۹۴)، فرهودی نیا، حسن، بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی، چاپ دوم، تهران: نشر احسان.
۵. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۸)، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۶. مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۹)، حقوق جزای اختصاصی، چاپ اول، تهران: نشر جنگل، جاودانه.
۷. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۹)، جرایم علیه اشخاص، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان.
۸. نذیر، داد محمد (۱۳۹۰)، حقوق جزای عمومی اسلام، چاپ سوم، کابل: نشر رسالت.
۹. نذیر، دادمحمد (۱۳۸۹)، حقوق جزای اختصاصی اسلام، چاپ دوم، کابل: نشر رسالت.
۱۱. نذیر، دادمحمد (۱۳۹۴)، حقوق جزای اختصاصی، چاپ اول، کابل: نشر رسالت.
۱۲. قانون جزای افغانستان (۱۳۵۵).



اثرات مثبت و منفی رسانه تلویزیون بر خانواده‌ها

لطیفه صدیقی

دانشجوی سال چهارم دانشکده شرعیات پوهنتون جامی

چکیده

رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ابزارهای دانایی و اطلاع‌رسانی هستند. زندگی در دنیای امروز بدون رسانه قابل تصور نیست، بنابراین نمی‌توان نقش رسانه‌های جمعی در زندگی امروزی را نادیده گرفت و باید به دنبال فرهنگ‌سازی استفاده درست از این پدیده بود. خصوصاً خانواده به عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی همواره تحت تأثیر عوامل بیرونی از جمله رسانه‌های تصویری قرار داشته است. از گونه‌های رسانه‌های تصویری، تلویزیون پدیده‌ای است فوق‌العاده تأثیرگذار و عجیب که وارد زندگی انسان‌ها شده و به گونه‌ای

معجزه‌آسا تقریباً در همه خانه‌ها جا خوش کرده است؛ چنان‌که این پدیده از لحاظ تأثیرگذاری توجه بیشتر اندیشمندان اجتماعی و تربیتی را به خود معطوف داشته است. به همین دلیل، گروهی از پژوهشگران آن را وسیله‌ای برای تخریب جامعه انسانی می‌دانند. در مقابل، گروهی دیگر آن را وسیله‌ای برای سرعت بخشیدن و بالابردن توانمندی بشر محسوب می‌دارند. در مجموع، تلویزیون در زندگی افراد تأثیرات فراوانی دارند و این تأثیرات گاه مثبت است و گاه منفی. نوشتار حاضر به بررسی اثرگذاری مثبت و منفی تلویزیون بر کارکردهای خانواده می‌پردازد.

مقدمه

می‌شود. در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی تأثیرات مثبت و منفی تلویزیون بر کارکرد خانواده می‌پردازیم. در طی این بحث به این پرسش‌ها پاسخ خواهیم داد: تلویزیون چه تأثیرات مثبت و منفی بر زندگی خانواده‌ها دارد؟

تعریف رسانه و تلویزیون

واژه رسانه در قاموس‌های مختلف، مفهوم یکسانی دارد از جمله، در فرهنگ دهخدا به معنی هر وسیله انتقال‌دهنده آمده است. رسانه در لغت به هر وسیله‌ای که خبر یا مطلبی را برساند گفته می‌شود. هر چند جمع لاتین این کلمه، یعنی مدیا در استفاده روزمره‌ای که از این واژه در انگلیسی می‌شود، به خوبی به عنوان یک اسم مفرد جا افتاده است. یک رسانه مدیوم عبارت است از هر ابزاری برای برقراری ارتباطات. رسانه حامل یا واسط پیام است. بدین ترتیب واسط در انگلیسی «مدیوم» هم رسانه و هم واسط معنی می‌دهد و در متن اصلی هم همین لغت به هر دو معنی به کار رفته است. رسانه وسیله‌ای است که فرستنده به کمک آن، معنا و مفهوم مورد نظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می‌کند. به عبارت دیگر، رسانه، وسیله حامل پیام از فرستنده به گیرنده است. کتاب، روزنامه، مجله، عکس، فیلم، نوار صوتی و تصویری، رادیو، تلویزیون، ماهواره و... نمونه‌هایی از رسانه هستند.

امروزه رسانه‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم شده‌اند؛ طوری که همواره در طول شبانه‌روز به قسم قابل ملاحظه‌ای از محتوای آن‌ها استفاده می‌کنند. نسل جدید جامعه از ابتدای حیاتش با رسانه‌ها بزرگ می‌شود و در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز، این نسل بخش عظیم فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود و دیگر جوامع را از رسانه‌ها دریافت می‌کند و تأثیر رسانه تا جایی است که برخی از نظریه‌پردازان ارتباطی بر این باورند که رسانه‌ها اولویت ذهنی و حتی رفتاری ما را تعیین می‌کنند و اگر چگونگی فکر کردن را به ما یاد ندهند، اینکه به چه چیزی فکر کنیم را به ما القاء می‌کند. در میان رسانه‌ها تلویزیون نقش موثرتری نسبت به سایر رسانه‌ها بالای جامعه و به ویژه بر خانواده دارد. بسیاری از صاحب‌نظران علوم ارتباطات و پژوهشگران علوم اجتماعی در تبیین و بررسی جایگاه تلویزیون در خانواده، آن را یکی از اعضای خانواده قلمداد کرده‌اند که نبودش بلافاصله ملموس و وابستگی دیگر اعضای خانواده به آن کاملاً محسوس است. اعضای خانواده ضمن تعامل با هم با تلویزیون نیز تعامل دارند. گذران اوقات فراغت، سرگرمی، کسب آرامش و گاه نیاز به برانگیختگی، یافتن موضوعی برای گفت‌وگو، فرار از مشکلات و کسب اخبار و اطلاعات از مهم‌ترین دلایل تماشای تلویزیون در خانواده‌ها برشمرده

“

در میان رسانه‌ها
تلویزیون نقش
موثرتری نسبت به
سایر رسانه‌ها بالای
جامعه و به ویژه بر
خانواده دارد. بسیاری
از صاحب‌نظران علوم
ارتباطات و
پژوهشگران علوم
اجتماعی در تبیین و
بررسی جایگاه
تلویزیون در خانواده،
آن را یکی از اعضای
خانواده قلمداد
کرده‌اند که نبودش
بلافاصله ملموس و
وابستگی دیگر اعضای
خانواده به آن کاملاً
محسوس است.

انواع رسانه‌ها

۱. رسانه‌های نوشتاری؛ مانند مطبوعات، کتاب و مجلات
 ۲. رسانه‌های شنیداری؛ مانند مانند رادیو
 ۳. رسانه‌های دیداری؛ مانند تلویزیون، سینما، اینترنت
 ۴. رسانه‌های ابزاری؛ مانند اعلامیه، پرشور، تابلوی اعلانات، کاتالوگ، پوستر، تراکت، پلاکارد، آم، لوگو، فیلم‌های تبلیغی، فیلم کوتاه و بلند، سخنرانی، همایش و تئاتر
 ۵. رسانه‌های نهادی یا گروهی همچون روابط عمومی‌ها، شرکت‌های انتشاراتی، بنیادهای سینمایی.
 ۶. رسانه‌های فرانهادی همچون خبرگزاری‌ها، دفاتر روابط بین‌الملل، کارتل‌ها، بنگاه‌های سخن‌پراکنی و تراست‌های خبری، شرکت‌های چند ملیتی‌ساز، فیلم‌های سینمایی، شبکه‌های ماهواره‌ای.
- رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین منابع تغییر اجتماعی به شمار می‌روند و بنابر تأثیر و نفوذی که دارد می‌تواند تأثیر مثبت و منفی خود را در افکار، ارزش‌ها، عقاید فرهنگی و مذهبی مردم یک جامعه داشته باشد. در گذشته مردم اطلاعات خود را بیشتر از طریق ارتباطات شخصی و فردی به دست می‌آوردند؛ ولی امروز رسانه‌ها اطلاعات را با سرعت چشم‌گیر به جمعیت کثیری از مردم می‌رساند همین‌طور رسانه‌ها درباره همه چیز به مخاطبان خود اطلاعات می‌دهند؛ به

طورمثال: از واقعات روزمره در سراسر جهان، وضعیت آب و هوا، پیشرفت‌های علمی و تکنالوژی، حوادث تاریخی و درباره فرهنگ و شیوه زندگی مردم مختلف دنیا گزارش می‌دهند. با توجه به استفاده وسیعی که از رسانه‌ها به عمل می‌آید، می‌توان گفت که آن‌ها چقدر تأثیر وسیع و عمیقی بر افکار، احساسات، عقاید و رفتارهای مردم بر جای می‌گذرانند. اگر از رسانه‌های اجتماعی به گونه مثبت استفاده شود می‌تواند مؤثرترین توجیه در جهت تکامل شخصیت انسان به شمار رود که این می‌تواند برای آبادی و شکوفایی یک ملت بسیار مؤثر واقع شود.

واژه تلویزیون که از زبان فرانسوی به فارسی راه یافته، خود واژه‌ای دو رگه است که بخش نخست آن از واژه یونانی «تله-» (دور) و بخش دوم آن از واژه لاتین «ویزیو» (دید) گرفته شده است. تلویزیون یا دورنما سامانه‌ای ارتباطی برای پخش و دریافت تصاویر متحرک و صداها از مسافتی دور است. همچنین دستگاه گیرنده در این سامانه، تلویزیون نام دارد. از میان رسانه‌ها، تلویزیون فراگیرترین و متداول‌ترین رسانه‌ای است که بهتر می‌تواند مفاهیم مورد نظر خود را در ذهن مخاطبان کشت کند. «تلویزیون برنامه‌هایی آکنده از معانی نهفته پخش می‌کند و می‌کوشد با مهار این معانی، آن‌ها را به معنایی یگانه‌تر تبدیل کند. معنایی که کارکرد جهان‌بینی غالب را داشته باشد.

“

رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین منابع تغییر اجتماعی به شمار می‌روند و بنابر تأثیر و نفوذی که دارد می‌تواند تأثیر مثبت و منفی خود را در افکار، ارزش‌ها، عقاید فرهنگی و مذهبی مردم یک جامعه داشته باشد.



فواید تلویزیون:

یکی از فوایدی که تلویزیون می‌تواند داشته باشد کارکرد آموزشی آن است؛ به ویژه در مواقعی از سال، مانند فصل زمستان که کودکان و نوجوانان اوقات فراغت بیشتری داشته و وقت زیادی را پای برنامه‌های تلویزیونی می‌گذرانند، می‌توان از این فرصت به عنوان فرصتی برای آموزش غیر مستقیم مفاهیم به آنها استفاده کرد. با این حال گاهی دیده می‌شود در ساخت برنامه برای کودکان و نوجوانان یا حتی بزرگسالان، تنها جنبه سرگرمی مد نظر قرار می‌گیرد در حالی که نقش رسانه در کاهش آسیب‌های اجتماعی اثبات شده است.

اینکه برنامه‌های ورزشی یا تفریحی و سرگرمی در بالا بردن روحیه افراد جامعه و شادی بخشیدن به آنها تاثیر دارد درست است و نیاز است به این برنامه‌ها پرداخته

“

یکی از فوایدی که

تلویزیون می‌تواند

داشته باشد کارکرد

آموزشی آن است؛ به

ویژه در مواقعی از

سال، مانند فصل

زمستان که کودکان و

نوجوانان اوقات

فراغت بیشتری داشته

و وقت زیادی را پای

برنامه‌های تلویزیونی

می‌گذرانند

شود، اما در عین حال برنامه‌های آموزنده‌ای که قابلیت جذب مخاطب را داشته باشد و توانایی برقراری ارتباط و حفظ بیننده را داشته باشد نیز می‌تواند در ارتقای فرهنگ و رشد افراد یک جامعه موثر واقع شود. به این منظور اگر از نظر متخصصان بهره گرفته شود و برنامه‌ریزان با شناخت نیازهای جامعه به تولید برنامه پردازند می‌توان بسیاری از الگوهای رفتاری مناسب را جایگزین الگوهای نادرست و رفتارهای نابهنجار کرد. این در حالی است که بعضاً دیده می‌شود خود تلویزیون با برنامه‌های سطحی و مبتذل رفتار یا کلمات و اصطلاحات نادرست را در جامعه رواج داده و به کار بردن آنها را عادی جلوه می‌دهد.

یکی دیگر از فواید این وسیله این است که با استفاده صحیح و به اندازه، می‌توان آن را به عاملی در جهت تحکیم پیوندهای

خانوادگی تبدیل کرد. کنار هم جمع شدن افراد یک خانواده کنار یکدیگر برای تماشای برنامه مورد علاقه‌شان و پس از آن بحث و تبادل نظر درباره آن می‌تواند به رد و بدل کردن نظرهای گوناگون و شناخت بیشتر افراد خانواده از یکدیگر منجر شود که به نوبه خود بسیار مثبت قلمداد می‌شود. از سوی دیگر، در شرایطی که فضاهای مجازی و بازی‌های کامپیوتری معمولاً فعالیت‌هایی انفرادی هستند، اما تماشای برنامه‌های تلویزیون معمولاً گروهی صورت می‌گیرد و می‌تواند باعث ارتباط بین زوجها و یا فرزندان یک خانواده شود و از انزوای افراد جلوگیری کند که اهمیت به سزایی دارد.

اثرگذاری تلویزیون بر تربیت فرزندان: یکی از کارکردهای مهم خانواده، اجتماعی کردن کودکان است که در آن، کودک، مجموعه هنجارها و ویژگی‌های فرهنگی جامعه مرجع خانواده را درونی می‌کند. بدین ترتیب، این امر در حیات اجتماعی کودک مرحله مهمی است و در این روند مکتب و رسانه‌های گروهی به ویژه تلویزیون، همکار و در عین حال رقیب‌های اساسی تلقی می‌شوند. بدون تردید اثرات مثبت و منفی خود را بر هر طبقه سنی از افراد خانواده‌ها به جا می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین اثرات تلویزیون را باید در کودکان مشاهده کرد. آنان ساعات طولانی از روز را پیش تلویزیون می‌گذرانند. از آنجایی که در

سن حسّاس تاثیرپذیری قرار دارند، قسمتی از جریان جامعه‌پذیری خود را از این طریق اقتناع می‌کنند. بنابراین چگونگی و کیفیت برنامه‌های تلویزیونی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

اثرات مثبت تماشای تلویزیون بر کودکان

۱. تلویزیون دانش کودکان را افزایش می‌دهد. کودکان قبل از رفتن به مکتب به اندازه پنج سال از تلویزیون مطالبی فراگرفته‌اند. یک کودک سه ساله با دیدن برنامه‌های آموزشی تلویزیون، الفبای ساده، اشکال هندسی و غیره را می‌آموزد. کودکان قبل از ورود به مکتب قادر به خواندن، نوشتن و حساب کردن هستند و نسبت به کودکان گذشته از معلومات گسترده‌ای برخوردارند.

۲. اعتقادات، ارزش‌ها، ویژگی‌های فرهنگی راستین را در کودکان جهت دهد.

۳. تلویزیون می‌تواند از طریق مبادله فرهنگی، دید کودکان را نسبت به انسان‌ها بازتر کند.

۴. برنامه‌های تلویزیونی مخصوص کودکان (کارتن) پاسخی برای نیاز کودکان برای رهایی از خستگی ناشی از فعالیت‌های آموزشی بوده تا کسالت و خستگی را از تن آنها بیرون کند.

۵. این وسیله می‌تواند مهم‌ترین منبع اطلاعات علمی، ورزشی و هنری برای کودکان باشد و شخصیت‌های تلویزیونی



یکی دیگر از فواید این وسیله این است که با استفاده صحیح و به اندازه، می‌توان آن را به عاملی در جهت تحکیم پیوندهای خانوادگی تبدیل کرد. کنار هم جمع شدن افراد یک خانواده کنار یکدیگر برای تماشای برنامه مورد علاقه‌شان و پس از آن بحث و تبادل نظر درباره آن می‌تواند به رد و بدل کردن نظرهای گوناگون و شناخت بیشتر افراد خانواده از یکدیگر منجر شود که به نوبه خود بسیار مثبت قلمداد می‌شود.

به آموزگاران اصلی کودک مبدل شوند و معلومات مفیدی را می‌تواند به کودک بیاموزد.

که به طور متوسط تعداد رفتار پرخاشگرانه در یک ساعت کارتن شش برابر سایر برنامه‌ها است.

کودکان از طریق تلویزیون با دیدن فیلم‌های نمایشی و احساسی با مسایل و مشکلاتی که در این فیلم‌ها به نمایش گذاشته می‌شود، رو به رو می‌گردند و چون مانند بزرگسالان دارای مهارت شناختی لازم برای تجزیه و تحلیل آنها نیستند، دچار درگیری ذهنی شده و راه حلی برای آنها نمی‌یابند.

در نتیجه بر آن می‌شویم که خطر دیدن تلویزیون برای کودکان بیش از سودش خواهد بود. زیرا به علل گوناگون کودکان سنین تولد تا سنین دو سالگی از تماشای تلویزیون درک، هوش، استعداد و ذهنشان را به خود مشغول می‌کند و از دنیای کودکانه خارج می‌کند. والدین بای متوجه این موضوع باشند.

اثرگذاری منفی تلویزیون بر روابط عاطفی اعضای خانواده

عوامل گوناگونی موجب آسیب دیدن پیوند عاطفی خانواده می‌شوند و انسجام آن را به مخاطره می‌اندازند. یکی از عوامل اثرگذار بر گسستگی انسجام خانواده، گسترش رسانه‌های جمعی و استفاده افراطی از آنهاست. رسانه‌های جمعی به دلیل کارکرد متنوع خود و ایجاد تغییرات پیوسته، به تدریج، جای ارتباط بین فردی از نوع چهره به چهره را گرفته و توانسته‌اند فضای انفرادی را به جای

اثرات منفی تلویزیون بر کودکان

۱. تلویزیون جای‌گزین فعالیت‌های فردی و اجتماعی کودکان شده. قدرت ابتکار، خلاقیت و کنجکاوی کودکان را محدود می‌سازد. اوقات فراغت آنان را به خود اختصاص داده و کودکان زمانی که می‌توانند به بازی‌های آموزشی، اجتماعی و به کشف و جستجوی خود بپردازند، در مقابل تلویزیون میخ کوب شده و مطیع و محو آن می‌گردند.

۲. از طریق تماشای تلویزیون، کودکان شیوه‌های پرخاشگرانه و مهارت‌های خلافتکاری را آموخته و از طریق همانندسازی با شخصیت‌های نمایشی قید و بندهای اجتماعی را نادیده گرفته و آن را امر عادی تلقی می‌کنند.

۳. کودکان رفتارهای ضد اجتماعی را با تماشای فیلم‌های کمدی و کارتنی از طریق مشاهده یاد گرفته و سعی در نشان دادن آن دارند. ۳۰٪ از فیلم‌های کارتنی دارای خشونت هستند. یک بررسی گسترده نشان داده است که کودکان زیر سن هشت الی هیجده سال هر چه بیشتر در تلویزیون شاهد خشونت بوده‌اند و در اجتماع رفتار پرخاش‌گرانه‌تری نشان داده‌اند. همچنین بررسی دیگری نشان داده است

“

کودکان از طریق تلویزیون با دیدن فیلم‌های نمایشی و احساسی با مسایل و مشکلاتی که در این فیلم‌ها به نمایش گذاشته می‌شود، رو به رو می‌گردند و چون مانند بزرگسالان دارای مهارت شناختی لازم برای تجزیه و تحلیل آنها نیستند، دچار درگیری ذهنی شده و راه حلی برای آنها نمی‌یابند.



در خانواده از تعامل سازنده و تجربه عواطف خانوادگی جلوگیری می‌کند. این آسیب در دو نوع ارتباط، بیشتر خود را نشان می‌دهد: یکی، ارتباط بین فرزندان و والدین و دیگری، ارتباط بین زن و شوهر. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که هر اندازه ارتباط میان فرزندان و والدین و همچنین ارتباط میان همسران کاهش یابد، فاصله عاطفی و هیجانی و همچنین فاصله شناختی و فهم بین‌ذهنی میان اعضای نظام خانواده بیشتر می‌شود.

نکته‌ای که در این میان وجود دارد نظارت خانواده‌ها و انتخاب برنامه‌های تلویزیونی مناسب است. امروزه که انواع برنامه‌ها و فیلم‌ها با موضوعات گاهاً مخالف ارزش‌های مورد قبول ما تولید و ارائه می‌شود، وظیفه خانواده‌ها برای انتخاب برنامه همسو با ارزش‌های خانواده بیشتر شده و لازم است دقت داشته باشند که حتی یک فیلم یا سریال یک ساعته یا دو ساعته چه اثراتی می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت و باورهای فرزندان داشته باشد.

فضای جمعی و اجتماعی خانواده حاکم کنند، طوری که گسترش تکنیکی رسانه‌های مدرن الکترونیکی، ارتباط مستقیمی با فردگرایی و دوری از گروه را دارد. در این مسیر، تعامل فرد با رسانه الکترونیکی و غیر احساسی شکل می‌گیرد و به دلیل برتری تکنولوژیکی و غلبه فنی ابزارهای رسانه‌ای، نوعی انفعال شخصیتی و فرهنگی در فرد ایجاد می‌شود. نتیجه این می‌شود که افراد خانواده به جای گفت‌وگوی صمیمی با یکدیگر، با تلویزیون - به عنوان رسانه‌ای همگرا که ساختارها و کارکردهای دیگر رسانه‌ها را در خود تلفیق کرده است - ارتباط برقرار می‌کنند؛ ارتباطی که بار عاطفی و احساسی ندارد. بدین ترتیب امروزه، به جای کانون گرم خانواده، اعضای خانواده هر شب گرداگرد اجاق سرد تلویزیون جمع می‌شوند.

بسیاری از صاحب‌نظران اعتقاد دارند تلویزیون به کانون توجه خانواده تبدیل شده است و با پی‌ریزی روابط موازی

پس در برنامه‌های تلویزیونی باید موارد زیر در نظر گرفته شود:

تأکید بر مفهوم تعالی و عمیق عفاف در کنار حجاب و پوشش ظاهری در فیلم‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های ترکیبی؛ پرهیز از ترسیم بیش از حد روابط نزدیک و صمیمی نامحرم‌ها به‌ویژه در فیلم‌ها و سریال‌ها و مسابقات تلویزیونی؛ معرفی الگوهای موفق حجاب و عفاف در جامعه و نقش آن در سلامت اخلاقی و اجتماعی و تحکیم بنیان‌های خانواده؛

آشناسازی با آسیب‌ها و پیامدهای نامطلوب بی‌حجابی در زندگی خانوادگی و اجتماعی با ارائه موارد مستند و باورپذیر؛

رعایت موازین اسلامی و اخلاقی در میان مجریان زن برنامه‌های رادیو و تلویزیون (لحن کلام، خنده و شوخی، شیوه نشست، نگاه کردن به مردان، شیوه برخورد با کارشناسان و مهمانان مرد و ...)

آموزش اصول و مهارت‌های همسراری می‌تواند به ایجاد فضای صمیمی و همراه با تفاهم و همدلی در خانواده کمک کند و خانواده را به کانون تأمین نیازهای عاطفی، روانی، زناشویی و ... بدل سازد. توجه به موارد زیر، تحقق این امر را تسهیل خواهد کرد. آموزش تفاوت‌های زن و مرد از بعد روحی و جسمی با تأکید بر اصول، ارزش‌ها و تعالیم دینی و پرهیز از طرح مسائل فمینیستی؛ رفع سوءتفاهم‌های ناشی از ناآگاهی زوجین از همدیگر با بهره‌گیری از نظر کارشناسان و صاحب‌نظران دینی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ...؛ معرفی اثربخش و جذاب آموزه‌های دینی در زمینه صمیمیت‌بخشی به روابط

زوجین در خانواده؛ آموزش رعایت حقوق متقابل در رابطه بین زن و مرد در خانواده و توقعات متعارف اعضای خانواده از یکدیگر.

نتیجه‌گیری

رسانه‌ها نقش مهمی در پیشرفت جامعه داشته و موجب بیداری افکار عمومی می‌شوند. رسانه‌ها انواع مختلفی دارند از جمله: رسانه‌های دیداری، شنیداری، نوشتاری، ابزاری، نهادی و فرانهادی. در این میان تلویزیون یکی از رسانه‌های دیداری بوده، پرکاربردترین و اثرگذارترین رسانه‌ها به شمار می‌رود، طوری می‌توان آن را عضوی از اعضای هر خانواده دانست. استفاده از هر وسیله، دارای فرهنگ خاصی است، از همین رو، برای این که از رسانه‌های مختلف استفاده درستی داشته باشیم، باید از فرهنگ کاربرد بهینه آن آگاه باشیم. تلویزیون هم با وجود فواید زیادی که دارد می‌تواند برای افراد خانواده آسیب‌زا باشد، لذا باید از آن طوری استفاده کنیم تا اثر منفی آن را به حداقل برسانیم.

منابع و مأخذ

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴)، لغت‌نامه دهخدا، به کوشش دکتر محمد معین، جلد ۵۰، تهران: مهر.
- سدریک، کالینگفورد، (۱۳۸۰)، کودکان و تلویزیون، ترجمه وازگن سرکیسیان، تهران: سروش.
- <http://rojow.com> سایت رجوع (۹۷/۵/۱۵)
- <http://www.moshavereh.porsemani.ir> سایت پرسمان دانشجویی تربیتی و مشاوره (۹۷/۵/۱۲)



آشنایی با مفاخر افغانستان (۱) مولانا عبدالرحمن جامی

عابده سادات

دانشجوی سال چهارم دانشکده شرعیات پوهنتون جامی

شکوفای می شود. راستی جامی کیست؟ چطور در صفحه تاریخ چنین جاویدان و در اذهان ماندگار شده است؟ برای شناخت این اسطوره علم، فرهنگ، اندیشه و هنر، مطالعه یک مقاله یا کتابی کافی نیست؛ زیرا هر بیت شعر وی دنیایی از زیبایی و پُر از راز و رمز معنی و تخیل است، ولی در این نوشتار در حد و وسع، تلاش خواهد شد تا زندگی نامه حضرت مولانا جامی به صورت مختصر ارائه گردد.

مولانا نورالدین عبدالرحمن بن احمد، عارف، ادیب، موسیقی دان و ملقب به خاتم الشعراى زبان فارسی دری از مفاخر طراز اول افغانستان است. او مشهورترین شاعر فارسی زبان قرن نهم هجری قمری است و از دانشمندان نامدار، پُرکار، پُرآثار و تأثیرگذار کشور به شمار می رود. از گذشته تا امروز، وقتی نام یا قطعه شعری از مولانا جامی به گوش می رسد، حس فخر و بالندگی نه تنها در میان هراتیان؛ بلکه در همه هم زبانان و هم کیشان وی

۱. از تولد تا وفات

در مورد سال تولد و وفات مولانا جامی بر خلاف اغلب شاعران اختلافی نیست. اصولاً کمتر پیش می‌آید، تا این‌گونه آگاهی‌های دقیق، موثق و بی‌خدشه در مورد شاعری در دسترس باشد. جزئیات زندگی، اندیشه و آثار مولانا جامی در نوشته‌های کسانی چون عبدالغفور لاری، مولانا فخرالدین علی، دولت‌شاه سمرقندی و معین‌الدین اسفرازی که هم‌عصر جامی و از شاگردان و مصاحبین او به‌شمار می‌رفتند به دقت بازتاب یافته است، چنانچه عبدالغفور لاری، تاریخ دقیق تولد مولانا را شب ۲۳ شعبان سال ۸۱۷ ه.ق. نوشته است. سال تولد ایشان در قصیده خود مولانا نیز چنین آمده است:

«به سال هشتصد و هفده ز هجرت نبوی

که زد ز مکه به یثرب سرادقات جلال

ز اوج قلّه پروازگاه عزّ و قدم

بدین حضيض هوان سُست کرده‌ام پَر و بال»

این استاد مسلم سخن فارسی در قریه خرجرد یا خرگرد جام که از توابع ولایت هرات بود، به دنیا آمد. نام اصلی مولانا، عبدالرحمن و لقبش عمادالدین می‌باشد که این مورد را مولانا فخرالدین علی و میر علی شیر نوایی یادآوری کرده‌اند، اما لقب معروف و رایج مولانا، نورالدین بوده است که بعدها اغلب نویسندگان همین را لقب اصلی وی شمرده‌اند. وجه تخلص وگزینش کلمه جامی ظاهراً به موجب دو انگیزه بوده است: نخست به خاطر این که زادگاهش منطقه جام بوده؛ دیگر این که از نظر نگارش و سبک ادبی، رشحات قلمش از جرعه شیخ احمد جام سرچشمه گرفته است. مولانا این دو مطلب را در قطعه‌ای چنین یاد کرده است:

مُولَدَم جام و رَشْحَةُ قَلَم

جُرْعَه جام شیخ الاسلامی است

لا جَرَم در جَرِیدَةُ اشعار

به دو معنی تَخَلُّصم جامی است

جامی سرانجام بعد از عمری تلاش پُربار در ۱۷ محرم سال ۸۹۸ ه. به عمر ۸۱ سالگی در شهر هرات درگذشت و آرامگاه او در شمال غربی شهر هرات (ابتدای شاهراه هرات- اسلام قلعه) واقع شده و از گذشته تا امروز زیارتگاه خاص و عام است. او در پایان عمرش مثنوی از خود برجای گذاشت که از ظهور واقعه انقطاع خبر می‌داد:

دریغا که بی‌ما بسی روزگار

بروید گل و بشکفد نوبهار

بسی تیر و دی‌ماه و اردی‌بهشت

برآید که ما خاک باشیم و خشت

۲. از بلوغ تا نبوغ (تحصیلات جامی)

از آثاری که در مورد چگونگی آغاز تحصیل مولانا، تا دوران کمال و بالندگی او نوشته شده است بر می‌آید که مولانا مقدمات زبان و ادبیات فارسی و عربی را در زادگاه خود و نزد پدرش نظام‌الدین احمد آموخت. سپس چون خانواده‌اش شهر زیبا و بزرگ هرات را برای اقامت برگزیدند، در اولین سفری که سیزده سال پیش نداشت وارد شهر هرات شد. در آغاز در مدرسه بازار خوش و سپس در نظامیه (دانشگاه) هرات که از مراکز بزرگ علمی و معتبر آن زمان بود مشغول به تحصیل شد و علوم متداول، همچون صرف و نحو، منطق، حکمت اشراق، حکمت مشایی، طبیعیات، ریاضیات، فقه، اصول، حدیث، قرائت، ترجمه و تفسیر را فراگرفت و از محضر استادانی چون خواجه علی سمرقندی و محمد جاجرمی کسب فیض نمود.

در این دوره‌ای از زندگی بود که جامی با عرفان و تصوف اسلامی آشنا و مجذوب آن شد و در حلقه مریدان سعدالدین محمد کاشغری نقشبندی درآمد و به تدریج به مقام معنوی خود افزود و بعد از فوت مرشدش خلیفه و پیشوای طریقت نقشبندی شد.

۳. از جام تا هرات (سیر و ساحت جامی)

سفرهای جامی غیر از آخرین سفرش، همگی کوتاه، محدود و از اهمیت چندانی برخوردار نبوده است. هفتمین و آخرین سفر مولانا جامی که از لحاظ مطالعه زندگانی و سیر حالات او ارزش به سزایی داشت، سفر معنوی به سوی حجاز می‌باشد. نویسندگان و شاعران از این سفر مولانا زیاد سخن گفته‌اند و در

این استاد مسلم سخن فارسی در قریه خرجرد یا خرگرد جام که از توابع ولایت هرات بود، به دنیا آمد. نام اصلی مولانا، عبدالرحمن و لقبش عمادالدین می‌باشد که این مورد را مولانا فخرالدین علی و میر علی شیر نوایی یادآوری کرده‌اند.

هرچند مولانا جامی در این شرح‌ها کمتر خلاقیت و نکته‌های نویافته از خود دارد و بیشتر شارح و مفسر آرای دیگران است.

او از باب قدرتی که در شرح معضلات تصوف و عرفان به نظم و نثر داشت، عرفان را که در عهد وی رو به ابتدال می‌رفت، در پایه و اساسی عالمانه، نگاه داشت. و از این راه توانست در صف بزرگترین مولفان و شاعران صوفی مشرب پارسی گوی

جای گیرد.

اما مولانا جامی یک صوفی متعصب و گوشه نشین نبود چنان که بسیار از صوفیان به این اسم معروف شده‌اند. در تواریخ و نوشته‌های دیگران بیشتر از هر صفت نیک مولانا در بارهٔ بذله‌گویی، خوش کلامی، خوش سخنی، حاضر جوابی و خوش طبعی وی یاد شده است. چنانکه در هر نوشته‌ای که در مورد مولانا است، داستان و حکایت از بذله‌گویی و حاضر جوابی او بسیار آمده است. در کتاب فخرالدین علی کاشفی حدوداً سی حکایت از مولانا روایت شده است که تحت عنوان «لطایف عارف جام»، مشحون از طبع شوخی و مزاح و موقع‌شناسی و نکته‌سنجی و به جای گویی مولانا است.

روایت کردند مردی بخیل که دعوی ظرافت می‌کرد، روزی نزد مولانا نشسته بود و از روی مراقبت گفت: سه آقچه (مقداری زر) دارم می‌خواهم به آن چیزی بخرم و از آن چندان بخورم که سیر شوم، و آنچه باقی ماند بفروشم و همان سه آقچه را حاصل کنم. مولانا فرمود: به کشتارگاه برو و شکنجه‌ای به سه آقچه بخر و آنچه درون

دیوان جامی نیز موارد بسیار زیادی یافت می‌شود که تمامی اشاره به حوادث و واقعات، دل‌آزردگی‌ها و ملالت‌ها، نیایش‌ها و دیدار از شهر-های مختلف این سفر دارد. این سفر که در سال ۸۵۱ ه. از هرات اتفاق افتاد و به سال ۸۷۷ ه. به هرات ختم شد، از همدان، کردستان، بغداد، کربلا، نجف، مدینه، مکه، دمشق، حلب و تبریز دیدن نمود.

۴. از تبدل تا تصوف (اخلاقیات جامی)

جامی به عنوان یکی از بزرگترین شارحان تصوف، آثار بسیاری در زمینه معرفی و شرح موضوعات تصوف، از خود به جای گذاشته است. ظاهراً او در ابتدای امر، سخنان صوفیان را درست نمی‌یافت و به همین سبب، نذر کرد که اگر اقوال و احوال آنان را درست دریابد و این باب بر او مفتوح شود، به شرح و بیان مقاصد آنان پردازد، به طوریکه مردم هم به سهولت آن‌ها را بفهمند. شاید نگارش تفحات الأُنس و شرح‌های متعددی که او بر آثار اهل تصوف نوشته است، برخاسته از همین دید او باشد.

اوست بخور، و بعد از آن شکنجه را به سه آنچه بفروش!
یکی از شیخ زادگان شهر که خالی از بلاهت نبود، دعوی
شعر و شاعری می کرد، این غزل ایشان را تتبع کرده بود و
پیش ایشان آورد:

بس که در جان فگار و چشم بیمارم تویی
هرکه پیدا می شود از دور می پندارم تویی

و بر مطلع ایشان اعتراض کرد و گفت: شما درین مطلع
فرمودید: هرکه پیدا می شود از دور می پندارم تویی، شاید
خری یا گاوی پیدا شود؟ مولانا بلافاصله گفت: پندارم
تویی.

علاوه بر شوخ طبعی، مولانا اخلاق و صفات نیک و
والای داشت چنانچه همه اعمال وی دور از ریا و تظاهر
بود همیشه لباس ساده و پاک می پوشید و در مجلس با آن
شوکت خود از همه فروتر می نشست و در غذا خوردن با
فروتران شریک می شد. اگرچه راه رسیدن به مقام های
دنیوی برایش هموار بود؛ ولی همیشه از آن دوری کرده و
حتی تحایفی که برای وی از طرف سلاطین زمان فرستاده
می شد آن را در امور عام المنفعه مصرف می کرد به
بخشش و نیکوکاری معروف بود. صفت دیگر مولانا

داشتن ذکاوت فوق العاده و
هوش سرشار وی بود استعداد
عجیبی داشت در هر درسی
که اشتراک می کرد کسی
نبود که از وی سبقت بگیرد
به این ترتیب در مدت کمی
از استاد خویش بی نیاز
می گشت.

۵. از نثر تا نظم (آثار جامی)
از مولانا جامی ده ها کتاب و
رساله از نظم و نثر به زبان های
فارسی و عربی به یادگار

مانده است:

الف. آثار منشور جامی

۱. بهارستان جامی. این کتاب را جامی برای فرزندش
ضیاء الدین یوسف تألیف کرده است، جامی در تألیف
این کتاب از سعدی پیروی کرده است. نثر این کتاب
مسجع و متکلف و آمیخته به نظم و در هشت روضه
نگاشته شده است و در هر بخش حکایاتی از اولیاء الله و
بزرگان صوفیه، شعرا، حکما و پادشاهان آمده است. این
کتاب در سال ۸۹۲ ه. تألیف شده است.

۲. شواهد النبوه. جامی این کتاب را در سال ۸۸۵ ه. و به
درخواست امیرعلی شیر نوایی نگاشت. در این اثر سیره
پیامبر (ص) از ولادت تا وفات بیان شده است. پس از آن
زندگی سلف صالح از صحابه، تابعین و تبع تابعین آمده
است. شواهد النبویه به نثر ساده فارسی نوشته شده است
و جامی در آن از اشعار فارسی و عربی و نیز احادیث و
روایات نبوی استفاده کرده است.

۳. اشعه اللمعات. این کتاب را نیز جامی به دستور
امیرعلی شیر نوایی در سال ۸۸۶ ه. نگاشت. این کتاب در
حقیقت شرح جامی بر لمعات فخرالدین عراقی است،

جامی در شرح لمعات از
سخنان محی الدین بن عربی
و صدر الدین محمد قونوی
بهره برده است. شرح لمعات
که در آن نکات و
اصطلاحات عرفا ذکر گشته
است در بیست و هشت باب
تدوین شده است.

۴. نقد النصوص. این کتاب
که به نثر عربی و فارسی
است در شرح فصوص
الحکم بن عربی نوشته شده
است.

علاوه بر شوخ طبعی، مولانا
اخلاق و صفات نیک و والای
داشت چنانچه همه اعمال وی
دور از ریا و تظاهر بود همیشه
لباس ساده و پاک می پوشید و
در مجلس با آن شوکت خود از
همه فروتر می نشست و در
غذا خوردن با فروتران شریک
می شد.

۵. نفعات الانس. این کتاب مشتمل بر شرح احوال پنجصد و هشتاد و دو تن از بزرگان تصوف و نیز شرح زندگی سی و چهار تن از زنان عارف است، جامی در تالیف این کتاب به طبقات الصوفیه محمد بن حسین سلمی و نیز به تذکره الاولیای عطار نظر داشته است. یکی از شاگردان جامی به نام رضی الدین عبدالغفور لاری بر این کتاب شرحی نگاشته که به مرآه النفعات مشهور است.

۶. رسالات. رسالات جامی در فن معما و قافیه‌سازی از نخستین رسالات او هستند. از دیگر رسالات او رساله در ارکان حج است که به زبان فارسی و عربی نگاشته شده و در آن فرایض و مناسک حج و عمره همراه با تاویل عرفانی و فقهی آن آمده است. رسالات دیگر جامی برخی رسالات تفسیری و برخی شرح احادیث هستند که به طور پراکنده به زبان فارسی و عربی نگاشته شده‌اند. از مهم‌ترین رسالات جامی، صحیفه محمد پارسا بخاری است که در آن احوال یکی از بزرگان صوفیه در خرگرد جام به نام محمد پارسا آمده است.

ب. آثار منظوم جامی

جامی اشعار خود را در دو مجموعه بزرگ جمع‌آوری نموده است:

۱. دیوان‌های سه‌گانه شامل غزلیات، قصاید، مقطعات و رباعیات است و جامی آن را در اخیر عمرش به تقلید از امیر خسرو دهلوی در سه قسمت زیر مدون کرده است: فاتحه الشباب (دوران جوانی)، واسطه العقد (اواسط زندگی)، خاتمه الحیاه (اواخر حیات).

جامی دیوان قصاید و غزلیات خود را در سال ۸۵۸-۸۸۴ ه. تدوین و تنظیم کرده است. قصاید جامی در توحید و نعت پیامبر (ص) و صحابه و اهل بیت و نیز مطالب عرفانی و اخلاقی است. هم‌چنان جامی قصایدی در مدح یا مرتبه سلاطین و حکمای زمانش سروده است. غزلیات جامی غالب از هفت بیت نبوده و اکثراً عاشقانه یا عارفانه است. مقطعات و رباعیاتی که از جامی به جای مانده محتوایش یا مسایل عرفانی است و اشاره به حقایق صوفیانه دارد یا نکته لطیف عاشقانه در آن نهفته است. دیوانی نیز به نام دیوان بی‌نقاط از جامی به جای مانده که در تمامی واژه‌های آن هیچ حرف نقطه داری استفاده نشده است.

۲. هفت اورنگ. که خود مشتمل بر هفت کتاب در قالب مثنوی است:

سلسله الذهب. به سبک حدیقه الحقیقه سنایی و در سال ۸۸۷ ه. تالیف شده است. در این مثنوی از شریعت، طریقت، عشق و نبوت از دیدگاه عرفانی سخن رفته است. سلامان و ابدال. به نام سلطان یعقوب ترکمان آق قویونلوس و در سال ۸۸۵ ه. تالیف شده، حکایت سلامان و ابدال نخستین بار در شرح اشارات خواجه

نصیرالدین توسی و اسرار حکمه بن طفیل آمده بود که جامی آن را به نظم فارسی در آورده است.

تحفه الاحرار. نخستین مثنوی تعلیمی جامی است که به سبک و سیاق مخزن الاسرار نظامی سروده شده است. در این کتاب اشارت‌هایی به آفرینش، اسلام، نماز، زکات، حج، عزلت، تصوف، عشق و شاعری آمده است. در انتهای این مثنوی جامی به

جامی دیوان قصاید و غزلیات خود را در سال ۸۵۸-۸۸۴ ه. تدوین و تنظیم کرده است. قصاید جامی در توحید و نعت پیامبر (ص) و صحابه و اهل بیت و نیز مطالب عرفانی و اخلاقی است. هم‌چنان جامی قصایدی در مدح یا مرتبه سلاطین و حکمای زمانش سروده است.

فرزند خود ضیاءالدین یوسف پندنامه نگاشته است که در آن از جوانی خود یاد نموده است .

سبحة الابرار. آن نیز مثنوی تعلیمی است که در سال ۸۸۷ ه. سروده شده است و در آن تعالیم اخلاقی و عرفانی در باب زهد، فقر، صبر، شکر، خوف، رجا، توکل، رضا و حب آمده است.

یوسف و زلیخا. مثنوی عشقی به سبک خسرو و شیرین نظامی و ویس و رامین فخر گرگانی است که به نام و یاد پیامبر(ص) و بیان معراج و مدح سلطان حسین بایقرا آغاز شده است، درین کتاب جامی از سوره یوسف در قرآن و نیز از روایات تورات در سفر پیدایش بهره برده است. تاریخ تالیف این کتاب را سال ۸۸۸ ه. دانسته اند.

لیلی و مجنون. مثنوی عشقی است به وزن لیلی و مجنون نظامی و امیر خسرو دهلوی ساخته شده است.

خردنامه اسکندری. که مثنوی تعلیمی در حکمت و اخلاق است و در آن از حکیمان یونان از سقراط، افلاطون، ارسطو، بقراط، فیثاغورث و اسکندر سخن رفته است.

نمونه‌ای از شعر تعلیمی مولانا جامی:

حاکم شدن آسان، آدم شدن مشکل!

پدری با پسری گفت به قهر
که تو آدم نشوی جان پدر
حیف از آن عمر که ای بی سروپا
در پی تربیت کردم سر
دل فرزند از این حرف شکست
بی خبر از پدرش کرد سفر
رنج بسیار کشید و پس از آن
زندگی گشت به کامش چو شکر
عاقبت شوکت والایی یافت
حاکم شهر شد و صاحب زر
چند روزی بگذشت و پس از آن
امر فرمود به احضار پدر
پدرش آمد از راه دراز
نزد حاکم شد و بشناخت پسر
پسر از غایت خودخواهی و کبر
نظر افگند به سراپای پدر
گفت گفتی که تو آدم نشوی
تو کتون حشمت و جاهم بنگر
پیر خندید و سرش داد تکان
گفت این نکته برون شد از در
«من نگفتم که تو حاکم نشوی
گفتم آدم نشوی جان پدر!»





گزارشی از خشونت‌های خانوادگی در هرات افزایش خودکشی و کاهش خودسوزی

گزارشگر: تارانسیم زاده

فارغ التحصیل ژورنالیزم دانشگاه هرات

ماه نخست سال جاری خورشیدی، تنها ۹ واقعه خودسوزی در آن مرکز به ثبت رسیده است که شش تن از آنها جان باخته‌اند. محمدرفیق شیرزی، سخن‌گوی شفاخانه حوزه‌وی هرات در گفت‌وگوی با مجله جام دانش گفت: در ده سال اخیر، ولایت هرات یکی از ولایت‌های بود که بلندترین گراف خودسوزی زنان را به خود اختصاص می‌داد؛ ولی در حال حاضر حدود ۸۰ درصد

خبرنگار مجله جام دانش برای آگاهی از وضعیت خشونت‌های خانوادگی در شهر هرات، به سطح شهر رفته و با مسئولان شفاخان حوزه‌وی، ریاست امور زنان، ثارنوالی ویژه منع خشونت علیه زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر مصاحبه‌ای ترتیب داده است که گزارش آن را در ذیل می‌خواهیم. آمار شفاخانه حوزه‌وی هرات نشان می‌دهد که در شش

خودسوزی در بین زنان ولایت هرات کاهش یافته، اما آمار اقدام به خودکشی به روش‌های دیگر به طور وحشتناکی افزایش داشته است. محمدرقیق شیرزی از این معضل اقدام به خودکشی پرده برداشت و با ابراز نگرانی گفت: در ۶ ماه نخست سال جاری در حدود ۱۴۰۰ واقعه اقدام به خودکشی در این مرکز به ثبت رسیده است. در حالی که این آمار در یک سال ۱۳۹۶ به ۱۸۰۰ واقعه می‌رسید که باعث مرگ ۴۰ تن شده بود. گراف واقعات اقدام به خودکشی در سال ۱۳۹۵ حدود ۷۵۰ واقعه را نشان می‌دهد که در آن سال ۲۰ تن در نتیجه اقدام به خودکشی جان باخته بودند. گفتنی است کسانی که دست به خودکشی می‌زنند غالباً در سنین ۱۸ تا ۴۵ سال داشته‌اند. براساس گفته این مسئول شفاخانه حوزوی هرات، روزانه در حدود ۳ تا ۵ واقعه اقدام به خودکشی در آن به ثبت می‌رسد که بیشتر در اثر مصرف مواد سمی، دواهای غیر مجاز، مواد طبی و غیر طبی اتفاق می‌افتد. ایشان می‌گوید: عواملی مختلفی در بروز این رویدادها نقش دارند، از جمله مشکلات روحی و روانی که عمدتاً ناشی از اختلافات خانوادگی است. همچنین، مشکلات اقتصادی و اعتیاد به مواد مخدر از دلایل عمده‌ای است که جوانان اقدام به خودکشی می‌کنند.

اداره امور زنان هرات هم کاهش نسبی خودسوزی و افزایش اقدام به خودکشی زنان را تأیید کرد. سمیه طاهری مدیرحقوقی ریاست امور زنان ولایت هرات یکی از عوامل عمده خودسوزی زنان را خشونت‌های خانوادگی می‌داند که بیشتر عامل این‌گونه خشونت‌ها در خانواده‌ها شوهران و مردان خانواده بوده‌اند.

با این وجود، شماری از فعالان مدنی در ولایت هرات از آمار خودسوزی‌ها و واقعات اقدام به خودکشی ابراز نگرانی می‌کنند. سمیه رامش از فعالان مدنی در ولایت هرات، ناامنی، عدم آگاهی خانواده‌ها و عدم آگاهی بانوان از حقوق شان را از دلایل عمده بروز این اتفاقات عنوان می‌کند. خانم

رامش می‌گوید: متأسفانه در شرایط کنونی فقر و خشونت‌های خانوادگی، مانند کت و کوب و عدم پرداخت نفقه از عوامل پشت صحنه و تحریک کننده‌ای هستند که خانم‌ها در ولایت هرات اقدام به خودکشی می‌کنند. سمیه طاهری از واقعات اقدام به خودکشی در بین زنان و به خصوص قشر تحصیل کرده اظهار نگرانی کرد و گفت: خانم‌های باسواد و کسانی که در داخل شهر زندگی می‌کنند بیشتر دست به چنین اقدامی می‌زنند.

در همین حال از ماری مهین‌یار، مسئول ثارنوالی اختصاصی منع خشونت علیه زنان، پرسیده شد که ایشان علل و عوامل اقدام به خودکشی را در چه می‌داند؟ وی گفت: عُرف، عنعنات ناپسند در جامعه، عدم آگاهی قربانیان خشونت، خشونت‌های خانوادگی، عدم تحمل‌پذیری در بین خانواده‌ها، عدم رعایت حقوق جانبین، مشکلات اقتصادی، اعتیاد به مواد مخدر، ازدواج‌های اجباری و ازدواج‌های زیرسن از عوامل عمده اقدام به خودسوزی و خودکشی است. او گفت در پی این عوامل بعضی افراد در جامعه هم از زنان و هم از مردان با خوردن قرص، مرگ موش و حلقه‌آویزی می‌خواهند به زندگی خود پایان دهند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات در گفت و گوی با مجله جام دانش اظهار داشت: برای این که این مشکل در جامعه ما محو شود، باید ابتدا آگاهی مردان و زنان از حقوق خانم‌ها بالا برود. دیگر این که، تطبیق قانون به شکل سراسری نیست، هنوز مناطقی را مشاهده می‌کنیم که افراد می‌توانند به راحتی از قید قانون فرارکنند. آقای رحیمی رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر در غرب کشور اضافه کرد: دسترسی زنان به عدالت، فراهم بودن زمینه تعلیم و تربیه، دسترسی زنان به وظیفه بیرون از خانه، پیگیری قضایا توسط محکمه فامیلی، حضور زنان حقوقدان در محاکم و ثارنوالی‌ها سبب شده است که زنان تا حدودی به حقوق خود دست یابند.